

راه‌های تکمیل نماز

ابراهیم کابلی

مشخصات کتاب

سرشناسه : کفیل، ابراهیم، 1348 -

عنوان و نام پدیدآور : راه های تکمیل نماز/ محمدابراهیم کفیل؛ کاری از مرکز تخصصی نماز.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، 1392.

مشخصات ظاهری : 98 ص.؛20 ×14 س م.

شابک : 25000 ریال 978-964-537-081-5 :

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [95] - 98؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز

موضوع : نماز -- احادیث

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده : مرکز تخصصی نماز

رده بندی کنگره : BP186/ک7ر2 1392

رده بندی دیویی : 297/353

شماره کتابشناسی ملی : 3024945

ص:1

اشاره

مقدمه

همان گونه که در بُعد معرفت و شناخت، "اندیشه و تفکر" ویژگی ای است که موجب امتیاز انسان از حیوانات می شود،(1) شاید بتوان گفت در بُعد "عمل" هم "اطاعت و عبادت آگاهانه و توأم با اختیار انسان" او را از حیوانات جدا می سازد. اندیشه و تفکر، عقل نظری را کامل می کند و عبادت، کمال عقل عملی را به همراه دارد، و به دنبال آن، کمال عقل نظری را؛(2) چراکه انسانیتِ او را همین عبادت آگاهانه تأمین می کند.

توضیح آن اینکه انسان در رحم مادر، از حیات "گیاهی" برخوردار است، جذب دارد و رشد. وقتی از نظر گیاهی کامل و بالغ شد، پا به مرحله "حیوانی" می گذارد، متولد می شود و رشد و نمو می نماید؛ تا اینکه از قوای حیوانی بهره مند می شود و واجد شهوت و غضب مي گردد. او در این مرحله بالغ می گردد، و بدین ترتیب مکلّف می شود؛ مکلّف به تحصیل حیات انسانی. اگر در تکوّنِ مراحل سابقِ هستیِ خود، دخالتی نداشت و دست تکوین او را به این حد رساند؛ ولی تحصیل مرحله یا مراحل بعدی، به عهده

1- [1] . چراکه آنها (علی الظاهر) اندیشه و تفکر عقلانی ندارند .
2- [2] . خداوند در قرآن می فرماید: "اُعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأتِیَکَ الیَقینُ" (حجر:99) بنابر تعلیلی بودنِ "حتی"؛ عبادت پروردگار، علت رسیدن به یقین است.

خود اوست. اوست که باید با استفاده از امکاناتی که خداوند متعال در مراحل سابق به او ارزانی داشته، کسب انسانیت کند؛ چراکه در این مرحله تقریباً(1) حیوان بالفعل است و انسان بالقوه؛ لذا باید در صدد فعلیت بخشیدن به خود باشد تا رستگار شود و نه زیانکار.(2) اما چگونه؟ از کدام طریق انسان باید خودش را به فعلیت برساند؟ از طریق عبادت. عبادت خداوند، صراط مستقیمی است که او را به سرمنزل مقصود می رساند.

در قرآن می خوانیم: "اَلَمْ اَعْهَدْ إلَيْكُمْ ... وَ اَن اعْبُدُونِی، هذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ".(3) پس بی جهت نیست که خداوند متعال غایت آفرینش انسان را عبادت دانسته است: "وَ مَاخَلَقْتُ الجِنَّ وَ الإنْسَ إلا لِيَعْبُدُونِ"(4)، و تنها مأموریت و وظیفه او را بندگی خالصانه برشمرده است: "وَ مَاأُمِرُوا إلا لِيَعْبُدُوا اللّه مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ"(5). و شکی نیست که ستون خیمه بندگی و محور اساسی آن، نماز است. "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فيِ صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ" .(6)

ص:8

1- [1] . گفتیم " تقریباً " ، نه " تحقیقاً " ؛ چراکه در این مرحله، فطرت خداجوی را دارد.
2- [2] . "قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى"(اعلی:14)، "قَدْ اَفْلَحَ مَنْ زَكّاها، وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا"(شمس:9-10) (تزکیه : پاک کردن و رشددادن است.)
3- [3] . یس: 60 -61.
4- [4] . ذاریات: 56.
5- [5] . بینه: 5.
6- [6] . مؤمنون 3-1.

آیت اللّه العظمی بهجت (ره) در فرمایشی حکیمانه با دریافت از این آیات می فرمایند: "اگر بدانیم اصلاح همه امور انسان به اصلاح عبادت و در رأس آن نماز است که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم با اعرض از لغو می شود محقق می شود، کار تمام است".(1)

امیر مؤمنان علی علیه السلام هم همه امور را تابع و وابسته به نماز دانسته اند: "وَ اعْلَمْ أَنَّ کُلّ شَیْ ءٍ مِنْ عَمَلِکَ تَبَعٌ لِصَلَاتِکَ فَمَن ْضَیَّعَ الصَّلَاهَ فَإِنَّهُ لِغَیْرِهَا أَضْیَعُ".(2)

دیگر اولیای دین Dنیز نسبت به نماز، هم در گفتار و هم در رفتار اهتمام و توصیه ویژه داشته اند؛ ولی با این همه در سطوح مختلف جامعه نسبت به نماز آن عنایت جدی مشاهده نمی شود و نماز در بین اهل نماز هم جایگاه مطلوب و بایسته خود را نیافته است و به گونه ای نیست که نمازِ اهل نماز از افراد بی نماز دلبری کند.

نوشته حاضر در صدد است، در حد توانِ محدود گردآورنده آن با عنایت خداوند متعال و اولیای دین Dبه آسیب شناسی نماز بپردازد و نمی از یم گفتار نمازگزاران حقیقی را در معرض دید مشتاقان قرار دهد و"لا قوه الا باللّه".

1- [1] . پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له.
2- [2] . وسائل الشیعه ؛ ج4، ص 161

دو مشکل اساسی نماز ما

1. نماز برای ما کار مهمی نیست

مشکل اول این است که به نمازمان اهمیت نمی دهیم و عملاً قبول نداریم نمازمان ناقص است؛ چراکه برای برطرف شدن نقصش تلاشی نمی کنیم. شاهدش اینکه نمازهای ما از اول تکلیف تاکنون، تغییری نکرده است و در نمازمان پیشرفتی نکرده ایم، حتی شاید کیفیتش پایین تر هم آمده باشد! و همین، شاهد اندک بودن اهتمام ما به نماز است.

کودکی را در نظر بگیرید که چند ماه به طور مستمر و مرتب در کلام آموزش خط حاضر شده، ولی جز حضور در کلاس کار ویژه ای انجام نداده است و در نتیجه خطش هیچ تغییری نکرده است؛ هنوز مثل اول بدخط می نویسد. در چنین حالتی به او گفته می شود: "چرا به کلاس و درست اهمیت نمی دهی!؟"، یعنی عدم حصول پیشرفت، شاهد عدم اهتمام او به کلاس و درس تلقی می شود، اگر چه هر روز در کلاس حاضر شده باشد.

ص:10

1. نماز برای ما کار مهمی نیست

مشکل اول این است که به نمازمان اهمیت نمی دهیم و عملاً قبول نداریم نمازمان ناقص است؛ چراکه برای برطرف شدن نقصش تلاشی نمی کنیم. شاهدش اینکه نمازهای ما از اول تکلیف تاکنون، تغییری نکرده است و در نمازمان پیشرفتی نکرده ایم، حتی شاید کیفیتش پایین تر هم آمده باشد! و همین، شاهد اندک بودن اهتمام ما به نماز است.

کودکی را در نظر بگیرید که چند ماه به طور مستمر و مرتب در کلام آموزش خط حاضر شده، ولی جز حضور در کلاس کار ویژه ای انجام نداده است و در نتیجه خطش هیچ تغییری نکرده است؛ هنوز مثل اول بدخط می نویسد. در چنین حالتی به او گفته می شود: "چرا به کلاس و درست اهمیت نمی دهی!؟"، یعنی عدم حصول پیشرفت، شاهد عدم اهتمام او به کلاس و درس تلقی می شود، اگر چه هر روز در کلاس حاضر شده باشد.

2.نمازهای ما ناقص است.

کمال و نقصان هر چیز حداقل از دو جهت قابل ارزیابی است: یکی با بررسی حقیقت آن و دیگری با توجه به آثار آن. نمازهای ما با هر دو نگاه، ناقص است؛ چون:

الف) نماز ما با غفلت همراه است؛ در حالی که حقیقت نماز و عیار اصلی آن به فرموده خداوند متعال، "ذکر" است: "أقم الصلوه لذکری".

ب) نماز ما، بازدارنده از گناه نیست. قرآن کریم نماز را فریادگری می داند که نمازگزار را به پرهیز از گناه دعوت می کند: "إن الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر"؛ حال آنکه ما نماز می خوانیم، ولی مرتکب گناه هم می شویم. معلوم می شود نماز ما کارایی لازم را ندارد و فریادش آن قدر بلند نیست که ما را در مواجهه با گناه در جایمان میخکوب کند. پس درجه مطلوب کمال را ندارد؛ چراکه اگر کامل بود، کارایی اش هم کامل بود. در علم منطق گفته شده است اگر گزاره ای صحیح و صادق بود، عکس نقیض آن هم صحیح و صادق خواهد بود؛ مثلا گزاره "آتش سوزنده است" گزاره ای درست است؛ بنابراین گزاره "آنچه سوزنده نیست آتش نیست" (عکس نقیض آن است) هم صحیح است بر این اساس چون آیه شریفه ای که ذکر شد، بلاشک صادق است، عکس نقیض آن هم صادق است؛ یعنی "ما لاینهی عن الفحشاء و المنکر فلیس بصلوه". و از آنجا که آنچه ما با عنوان نماز انجام می دهیم، بازدارنده از گناه نیست (یا لااقل بازدارنده از همه، گناهان نیست) معلوم می شود در همان محدوده نماز هم نیست؛ یعنی ناقص است.

ص:12

در این بخش به بیان راه حل مشکل اول می پردازیم؛ یعنی بیان اینکه چه کنیم که "نماز" یک کار مهم، بلکه مهم ترین کار برایمان باشد؟

در این راستا راه های زیر را می توان از فرمایش های معصومینb استفاده نمود:

1.توجه به اینکه نماز سخن گفتن با خدا به شیوه مطلوب اوست

قال علی بن الحسین علیه السلام : وَ حَقُّ الصَّلَاهِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وِفَادَهٌ إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَّکَ فِیهَا قَائِمٌ بَیْنَ یَدَیِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِکَ قُمْتَ مَقَامَ الذَّلِیلِ الْحَقِیرِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الرَّاجِی الْخَائِفِ الْمُسْتَکِینِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعَظِّمِ لِمَنْ کَانَ بَیْنَ یَدَیْهِ بِالسُّکُونِ وَ الْوَقَارِ وَ تُقْبِلَ عَلَیْهَا بِقَلْبِکَ وَ تُقِیمَهَا بِحُدُودِهَا وَ حُقُوقِهَا.

وامام سجّاد علیه السلام می فرماید: و حق نماز این است که بدانی نماز کوچ کردن سوی خدای عز و جل است، و تو در آن حال در برابر خدای عز و جل ایستاده ای، و چون این معنا و موقعیت را دانستی در موضع بنده ای می ایستی که خوار و بی مقدار و زار و هراسان و امیدوار و ترسان و خاضع و متضرع است، و کسی را که در برابر او ایستاده است، به وسیله سکون و وقار

خود بزرگ می دارد. و در این حال با صمیم قلب به نماز رو می آوری، و آن را با حدود و حقوقش به پا می داری.(1)

2. توجه به آثار و ثواب نماز

توجه به مزد و پاداش و مقدار آن، در "اهتمام به عمل "مؤثر است؛ مثلاً اگر سه نفر، از فرد نجاری درخواست ساختن میزی را داشته باشند و هر کدام مبلغی را پیشنهاد کنند، مثلاً هزار تومان، ده هزار تومان و صدهزار تومان، نجار با توجه به پولی که هر کدام پیشنهاد کرده، میز مناسبی می سازد؛ یعنی توجه به مزد و مقدار آن، تلقّیِ او را نسبت به عمل مورد سفارش مشخص می کند.گفتنی است پاداش از طرف دیگر، بیانگر اهتمام پیشنهاد دهنده نیز است.

در ادامه نمونه هایی از ثواب های عظیم نماز را مرور می کنیم

الف. نماز، کفارهٔ گناهان

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّه علیه السلام : قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی عَنْ آبَائِهِ صلی الله علیه و آله أَنَّ أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِی مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَمِائَهِ بَابٍ مِمَّا یَصْلُحُ لِلْمُؤْمِنِ فِی دِینِهِ وَ دُنْیَاهُ قَالَ علیه السلام : مَنْ أَتَی الصَّلَاهَ عَارِفاً بِحَقِّهَا غُفِرَ لَه(2).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که نماز را با حق شناسی از آن بخواند خدایش بیامرزد.

1- [1] . شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه؛ ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر ؛ ج 3 ، ص558.
2- [2] . علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج 10، ص106.

عن سلمان (ره) قال: کنا مع رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی ظلّ شجره فأخذ غُصنا منها فنقضه فتساقط ورقه فقال صلی الله علیه و آله: اَ لا تسألون عمّا صنعتُ؟ قلنا: اخبرنا یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله. قال: إنّ العبد المسلم إذا قام إلی الصلوه، تحاتت عنه خطایاه کما تحاتت ورق هذه الشجره(1)

سلمان می گوید: زیر سایه درختی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم. شاخه ای از آن را گرفته، تکان دادند. برگ هایی از آن بر زمین ریخت. حضرت فرمودند: نمی پرسید چرا چنین کردم؟ گفتیم: بفرمایید. فرمودند: هنگامی که مسلمانی به نماز می ایستد، گناهانش مانند برگ های این درخت بر زمین می ریزد.

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْ کَانَ عَلَی بَابِ دَارِ أَحَدِکُمْ نَهَرٌ فَاغْتَسَلَ فِی کُلِّ یَوْمٍ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَ کَانَ یَبْقَی فِی جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَیْ ءٌ؟ قُلْنَا لَا. قَالَ فَإِنَّ مَثَلَ الصَّلَاهِ کَمَثَلِ نَهَرِ الْجَارِی کُلَّمَا صَلَّی صَلَاهً کَفَّرَتْ مَا بَیْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوب(2).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر بر در خانه شما نهری باشد و در شبانه روز، پنج بار بدن خود را در آن شستشو دهید، آیا اثری از چرک و آلودگی در بدنتان باقی خواهد ماند؟ گفتیم: نه. فرمودند: همانا مَثَل نماز در میان شما، مَثَل نهری است که هر نماز در شبانه روز، اثر گناهانی که در فاصله نمازِ گذشته با آن انجام شده است را از بین می برد.

1- [1] . علامه مجلسی؛بحارالانوار(ط.بیروت)ج79،ص208.
2- [2] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ج4، ص12.

ب.ثواب عظیم نماز

نماز واجب معادل هزار حج و هزار عمره مقبول است. عن أَبِی کَهْمَسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ a:قَالَ قُلْتُ لَهُ أَیُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَهِ قَالَ مَا مِنْ شَیْ ءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَهِ یَعْدِلُ هَذِهِ الصَّلَاهَ ... وَ صَلَاهٌ فَرِیضَهٌ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّهٍ وَ أَلْفَ عُمْرَهٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَات(1).

ابو کهمس گوید به ابو عبد اللّه امام صادق علیه السلام گفتم: باارج ترین طاعتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟ حضرت در جواب فرمودند: بعد از معرفت اللّه (یعنی اعتراف به توحید، نبوت و امامت)، هیچ طاعتی را باارج تر و پربهاتر از نماز نمی شناسم ... و یک نماز واجب در نزد خداوند با هزار حج و هزار عمره ای که به خوبی انجام شود و ئمقبول درگاه الهی واقع شود، برابر است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَسَمْتُ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ بَیْنِی وَ بَیْنَ عَبْدِی فَنِصْفُهَا لِی وَ نصف ها لِعَبْدِی وَ لِعَبْدِی مَا سَأَلَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ بَدَأَ عَبْدِی بِاسْمِی وَ حَقٌّ عَلَیَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ وَ أُبَارِکَ لَهُ فِی أَحْوَالِهِ فَإِذَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ حَمِدَنِی عَبْدِی وَ عَلِمَ أَنَّ النِّعَمَ الَّتِی لَهُ مِنْ عِنْدِی وَ أَنَّ الْبَلَایَا الَّتِی دَفَعْتُ عَنْهُ فَبِطَوْلِی أُشْهِدُکُمْ أَنِّی أُضِیفُ لَهُ إِلَی نِعَمِ الدُّنْیَا نِعَمَ الْآخِرَهِ وَ أَدْفَعُ عَنْهُ بَلَایَا الْآخِرَهِ کَمَا دَفَعْتُ عَنْهُ بَلَایَا الدُّنْیَا فَإِذَا قَالَ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ شَهِدَ لِی عَبْدِی أَنِّی الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ أُشْهِدُکُمْ لَأُوَفِّرَنَّ مِنْ رَحْمَتِی حَظَّهُ وَ لَأُجْزِلَنَّ مِنْ عَطَائِی نَصِیبَهُ فَإِذَا قَالَ مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أُشْهِدُکُمْ کَمَا اعْتَرَفَ أَنِّی أَنَا مَالِکُ یَوْمِ الدِّینِ لَأُسَهِّلَنَّ یَوْمَ الْحِسَابِ حِسَابَهُ وَ لَأَتَجَاوَزَنَّ عَنْ سَیِّئَاتِهِ فَإِذَا قَالَ إِیَّاکَ نَعْبُدُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَدَقَ عَبْدِی إِیَّایَ یَعْبُدُ أُشْهِدُکُمْ لَأُثِیبَنَّهُ عَلَی عِبَادَتِهِ ثَوَاباً یَغْبِطُهُ کُلُّ مَنْ خَالَفَهُ فِی عِبَادَتِهِ لِی فَإِذَا قَالَ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِیَ

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج 66،ص405.

اسْتَعَانَ عَبْدِی وَ الْتَجَأَ إِلَیَّ أُشْهِدُکُمْ لَأُعِینَنَّهُ عَلَی أَمْرِهِ وَ لَأُغِیثَنَّهُ فِی شَدَائِدِهِ وَ لَآخُذَنَّ بِیَدِهِ یَوْمَ نَوَائِبِهِ فَإِذَا قَالَ اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ إِلَی آخِرِ السُّورَهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا لِعَبْدِی وَ لِعَبْدِی مَا سَأَلَ فَقَدِ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِی وَ أَعْطَیْتُهُ مَا أَمَّلَ وَ آمَنْتُهُ مِمَّا مِنْهُ وَجِلَ.(1)

امام حسن عسگری علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از پدران گرامی شان از امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از خداوند متعال، نقل کرده که حضرت حق فرمود: من سوره فاتحه الکتاب را میان خود و بندگانم تقسیم کرده ام که نصفش مال من است و نصفش مال بندگانم و هر چه بنده ام از من درخواست کند، اجابت می نمایم. وقتی که بنده ای بگوید: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ" خداوند متعال می فرماید: بنده ام مرا حمد کرد و می داند نعمت هایی که دارد از من است و بلاهایی که از او دفع شده، با عنایت و احسان من دفع شده است. شما فرشتگان را شاهد می گیرم که من نعمت های آخرت را هم به نعمت های دنیای بنده ام، اضافه می کنم و از او بلاها را دفع می کنم؛ همان طوری که بلاهای آخرت را از او دفع کردم.

وقتی بنده می خواند: "الرحمن الرحیم"، خداوند می فرماید: بنده ام شهادت به رحمان و رحیم بودن من داد، من هم شما را شاهد می گیرم که رحمت خود را درباره او زیادتر کنم و از عطاهای خود به وی ببخشم. وقتی بنده بگوید: "مالِکِ یَوْمِ الدِّین"، خداوند متعال می فرماید: من شما را شاهد می گیرم، چون او اعتراف به این کرد که من صاحب روز پاداش هستم، من هم در آن روز،

1- [1] .شیخ صدوق؛ عیون أخبار الرضا(ع)؛ ج 1، ص301. محمدبن الحسن شیخ حرّعاملی؛ الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی)؛ ص270.

حساب او را آسان تر می کنم، حسنات وی را قبول می کنم و از گناهانش در می گذرم. و وقتی بنده در نماز می گوید: "إِیَّاکَ نَعْبُدُ"، خداوند می فرماید: بنده ام راست گفت، او فقط مرا عبادت می کند. من شما را شاهد می گیرم که برای عبادت این بنده ام، چنان ثوابی بدهم که مخالفان عبادت او به آن ثواب غبطه بخورند.

و وقتی بنده می گوید: "وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ"، خداوند می فرماید: این بنده از من یاری خواست و به من پناه آورد. من شما را شاهد می گیرم که در کارهایش به وی یاری دهم و در سختی ها او را حمایت کنم و روز قیامت هم دست او را بگیرم و داخل بهشت کنم. و وقتی بنده می گوید: "اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ" تا آخر سوره حمد، خداوند می فرماید: این صراط مستقیم برای بندهٔ من است.

آنچه را از من خواست، به وی می دهم و او را از هر چه می ترسید امان دادم.

3. توجه به جایگاه نماز در دین

امر دیگری که اهمیت نماز را در نگاه نمازگزار بیشتر می کند، توجه به جایگاه نماز در دین مبین اسلام است.

الف) نماز "رأس اسلام" است

پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که معاذ بن جبل را به یمن فرستادند، در ضمن سفارش ها به او فرمودند:

ص:18

يَا مُعَاذُ عَلِّمْهُمْ كِتَابَ اللَّهِ ... وَ لْيَكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالدِّين(1).

کتاب خدا را به ایشان بیاموز... و بیشترین توجه خود را معطوف به نماز کن، چرا که پس از پذیرش اصل دین، نماز مهم ترین جایگاه را دارد.

ب) نماز "وجه دین" است

مُحَمَّدٌ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لِكُلِّ شَيْ ءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمُ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ وَ لِكُلِّ شَيْ ءٍ أَنْفٌ وَ أَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِير(2).

هر چیزی چهره ای دارد و چهره دین شما نماز است. پس مبادا شخصی چهره دینش را زشت و نازیبا گرداند و هر چیزی شروعی دارد و شروع نماز با تکبیر است.

ج) نماز "احبّ الأعمال إلی اللّه" است

عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّه علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاء صلی الله علیه و آلهفَمَا أَحْسَنَ الرَّجُلَ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيُسْبِغُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَنِيسٌ فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسُ يَا وَيْلَاهْ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْت.(3)

1- [1] . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 74، ص129.
2- [2] . شیخ کلینی، کافی، ج3، ص270.
3- [3] . شیخ کلینی، ج3،ص264.

زید شحام می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند عز وجل نماز را بیش از سایر اعمال دوست دارد و نماز آخرین سفارش همه پیامبران است. چه منظره زیبایی است این که شخصی غسل کرده یا وضوی مطلوبی گرفته، در مکانی خلوت و به دور از چشم دیگران، به رکوع و سجده مشغول شود. زمانی که بنده ای سر بر خاک می نهد و سجده می کند، صدای شیطان به ناله بلند می شود که ای وای این بنده اطاعت خدای را نمود و من نافرمانی کردم و او سجده کرد و من امتناع نمودم.

د) نماز "نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله" است

آن حضرت به ابوذر فرمودند: یَا أَبَاذَرٍّ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ قُرَّهَ عَیْنِی فِی الصَّلَاهِ وَ حَبَّبَ إِلَیَّ الصَّلَاهَ کَمَا حَبَّبَ إِلَی الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَی الظَّمْآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَکَلَ شَبِعَ وَ إِنَ الظَّمْآنَ إِذَا شَرِبَ رَوِیَ وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاهِ(1).

خداوندِ فرا ستایش، نور چشم مرا در نماز قرار داده است و چنان مرا علاقه مند به نماز ساخته که گرسنه را علاقه مند به غذا و تشنه را علاقه مند به آب. البته محبت گرسنه و تشنه به غذا و آب موقت است و لیکن من از نماز سیری ندارم.

ه) نماز "عامل نزدیک شدن به خدا" است

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام : قَالَ: "الصَّلَاهُ قُرْبَانُ کُلِّ تَقِی"(2): نماز عامل نزدیکی پارسایان به خداوند است.

ص:20

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج 74، ص72.
2- [2] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص264.

و) نماز "بهترین موضوع" است

عن أبی ذر: فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّکَ أَمَرْتَنِی بِالصَّلَاهِ فَمَا الصَّلَاهُ؟ قَالَ خَیْرُ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَکْثَر.(1)

ابوذر می گوید به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: مگر نماز چیست که مرا به آن توصیه[ویژه] نمودید؟ فرمودند: بهترین موضوع است. حال، هر کس [مخیراست] که بهره خود را اندک کند یا بسیار نماید.

ز) نماز "عمود خیمه دین" است:

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِs: مَثَلُ الصَّلَاهِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأَطْنَابُ وَ الْأَوْتَادُ وَ الْغِشَاءُ وَ إِذَا انْکَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ یَنْفَعْ طُنُبٌ وَ لَا وَتِدٌ وَ لَا غِشَا.(2)

امام صادق علیه السلام نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مَثَل نماز مَثَل ستون چادر (خیمه) است. اگر ستون محکم باشد، طناب ها و میخ ها و پوش[بر سر پا و] سودمند خواهد بود و اگر ستون بشکنند [و از جا در رود]، هیچ طناب و میخ و پوشی به درد نمی خورد[و چادر بر پا نخواهد ماند].

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج74، ص72.
2- [2] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص264.

ح) نماز "بهترینِ اعمال بعد از معرفت" است

عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَا یَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَی رَبِّهِمْ وَ أَحَبِّ ذَلِکَ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ مَا أَعْلَمُ شَیْئاً بَعْدَ الْمَعْرِفَهِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاهِ أَ لَا تَرَی أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ، عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ علیه السلام قَالَ وَ أَوْصانِی بِالصَّلاه.(1)

به امام صادق علیه السلام گفتم: باارجترین طاعتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟ ابوعبداللّه فرمودند: بعد از شناخت خداوند، هیچ طاعتی را باارجتر و پربهاتر از نماز نمی شناسم. نشنیده ای که بنده صالح خدا عیسی بن مریم گفته است: "و خداوند مرا به ادای نماز سفارش کرد".

ط) نماز، اولین چیزی است که از آن، سؤال می شود

قال النبّی صلی الله علیه و آله: اوّلُ ما ینظر فی عمل العبد فی یوم القیامه، فی صلوته؛ فإن قُبلَت، نظر فی غیرها، و إن لم تقبل، لم ینظر من عمله بشیء.(2)

در روز قیامت، ابتدا به نماز بنده توجه می شود؛ اگر شایسته پذیرش بود به بقیه اعمال او هم توجه می شود و اگر شایسته پذیرش نبود به هیچ یک از اعمالش توجه نمی شود؛ مثل اینکه دکتری به مریض می گوید: از این نسخه اگر فلان دوا را نخوری، مصرف بقیه دواها بی فایده است. یا معلم به دانش آموز می گوید: اگر به فلان سؤال جواب ندهی، ورقه ات را تصحیح نمی کنم، چرا که پاسخگویی به بقیه سؤالات، وابسته به پاسخگویی یه این

1- [1] . همان.
2- [2] . بحارالانوار(ط.بیروت)؛ج79 ص 227.

سؤال است. یا به کسی گفته می شود: از این کتاب اگر فلان صفحه را نخوانی، گویی اصلاً کتاب را نخوانده ای. به عبارت دقیق تر نماز محصول کارخانه زندگی و بندگی انسان است که کیفیت مطلوب آن از سلامت همه دستگاه ها و عرصه ها حکایت دارد.

ی) خداوند متعال از اموری چون شرب خمر(نوشیدن شراب) به دلیل اینکه [علاوه بر ایجاد عداوت و بغضاء] انسان را از یاد خدا و نماز بازمی دارد، نهی نموده است

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ و الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُم تُفْلِحُونَ إِنَّما یُریدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَهَ وَ الْبَغْضاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ وَ یَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلاهِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ.(1)

ک) خداوند متعال مسلمانان را از ارتباط دوستانه با اهل کتاب و کفار به دلیل اینکه دین و نماز را به بازی و مسخره می گیرند، باز داشته است

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لاتَتَّخِذُوا الَّذینَ اتَّخَذُوا دینَکُمْ هُزُواً وَ لَعِباً مِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلِکُمْ وَ الْکُفَّارَ أَوْلِیاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ و إِذا نادَیْتُمْ إِلَی الصَّلاه اتَّخَذُوها هُزُواً وَ لَعِباً ذلِک بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لایَعْقِلُونَ.(2)

4. توجه به اهتمام ویژه خداوند به نماز

نماز به فرموده امام سجاد علیه السلام ورود بر خداوند و ایستادن در پیشگاه اوست؛ ورود و ملاقاتی که حضرتِ حق تبارک و تعالی جوانب مختلف آن را

1- [1] . مائده: 90-91.
2- [2] . مائده: 57-58.

مورد توجه قرار داده، عنایات ویژه خود را نسبت به آن مبذول داشته است که همه اینها از جایگاه خاص نماز در بین عبادات حکایت می کند. در ادامه به گوشه ای از این عنایات اشاره می شود.

الف) خداوند متعال نماز را در بهترین اوقات شبانه روز قرارداده است

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: وَ ارْفَعُوا إِلَیْهِ أَیدِیَکُمْ بِالدُّعَاءِ فِی أَوْقَاتِ صَلَاتِکُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ یَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلّ فِیهَا بِالرَّحْمَهِ إِلَی عِبَادِهِ یُجِیبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَیُلَبِّیهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَیُعْطِیهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَیَسْتَجِیبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْه(1).

در وقت نماز دست به دعا بردارید که بهترین ساعت ها است. خدا در آن نظر لطف به بندگان خود دارد، به مناجات آنان پاسخ می دهد و فریاد آنان را لبیک می گوید و درخواست آنان را می دهد و دعای آنان را مستجاب می کند.

ب) برای نماز مکان ویژه با فضیلت خاص در نظر گرفته شده است

وَ رُوِیَ أَنّ فِی التَّوْرَاهِ مَکْتُوباً أَنّ بُیُوتِی فِی الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَی لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِی بَیْتِهِ ثُمَّ زَارَنِی فِی بَیْتِی أَلَا إِنَّ عَلَی الْمَزُورِ کَرَامَهَ الزَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَّائین فِی الظُّلُمَاتِ إِلَی الْمَسَاجِد بِالنُّور السَّاطِعِ یَوْم الْقِیَامَهِ(2).

در تورات چنین آمده است: به راستی خانه های من روی زمین، همان مساجد است. فرخنده باد آن بنده ای که در سرای خویش وضو سازد و مرا در خانه ام زیارت کند. البته که گرامی داشت میهمان بر صاحب خانه لازم و فرض است. الا آنان را که در تاریکی های شب گام برداشتن به سوی

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج10ص 313. شیخ صدوق؛ امالی؛ ترجمه محمدباقر کمره ای؛ ص94.
2- [2] . شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج1، ص239.

مساجد را پیشه ساخته اند، بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.

ج) برای نماز جهت ویژه قرار داده شده است (قبله). آن هم مکانی که پس از کربلا بهترین نقطه زمین است.

د) مجموعه نماز از بهترین ها شکل گرفته است. توضیح اینکه در بین عبادات فردی عبادتی به پای قرائت قرآن، ذکر، دعا و استغفار نمی رسد و در بین این امور، اجزای تشکیل دهنده نماز یعنی سوره مبارک "حمد"، سوره مبارک "توحید"، "تسبیحات اربعه" و "صلوات بر محمد وآل محمد" هر کدام جایگاه ویژه ای دارند و از بهترین ها هستند. حالات نماز یعنی قیام، رکوع و سجده هم از بهترین حالات حضور بنده در پیشگاه رب العالمین است. آری نماز، از چنین مفردات و حالاتی تشکیل شده است که توجه به آنها می تواند گوشه ای ازعظمت و اهمیت نماز را برای نماز گزار جلوه گر سازد. هرچه نمازگزار به اجزا و حالات نماز و اهمیت ویژۀ هر کدام توجه کند، در ایجاد یک نماز کامل، بیشتر تلاش خواهدکرد.

در ادامه گوشه هایی از اهمیت اجزای نماز را به نظاره می نشینیم:

یک. اهمیت سوره حمد

الف) سورۀ "حمد" دو بار نازل شده است، سبع المثانی است

شارح اصول کافی می فرماید: و اتّفق أرباب التفسیر علی أنّ السبع المثانی هی الفاتحه، و قالوا: سمّیت بذلک لأنّها سبع آیات، و یثنی فی الصلاه أو فی النزول حیث

ص:25

نزلت بمکّه و بالمدینه.(1). همه مفسران "السبع المثانی" را سوره حمد دانسته اند. چون مشتمل بر هفت آیه است "السبع" نامیده شده وچون در هر نماز دو بار خوانده می شود و یا اینکه دو بار نازل شده یک بار در مکه و دیگر بار در مدینه به آن "المثانی" گفته می شود.

ب) سوره حمد اساس قرآن است: یکی از نامهای سوره مبارکه حمد، "امّ الکتاب" است یعنی "اساس قرآن"

و عن ابن عبّاس أنّه قال: إنّ لکلّ شی ء أساساً، و أساس القرآن فاتحه الکتاب:(2) از ابن عباس نقل شده که هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن سوره حمد است.

ج) سوره حمد، برترین سوره است

أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ لِجَابِرٍ: أَ لَا أُعَلِّمُکَ أَفْضَلَ سُورَهٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ فِی کِتَابِهِ قَالَ بَلَی عَلِّمْنِیهَا. قَالَ فَعَلَّمَهُ الْحَمْدَ أُمَّ الْکِتَابِ ثُمَّ قَالَ هِیَ شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ السَّامُ الْمَوْت.(3)

پیامبر صلی الله علیه و آله به جابربن عبداللّه انصاری فرمودند: برترین سوره ای را که خداوند متعال در کتابش نازل فرموده، به تو بیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری. حضرت به او سوره حمد را که اساس قرآن است تعلیم نمودندوپس از آن فرمودند: این سوره شفای هر دردی جز "سام" است و منظور از سام، "مرگ" است.

د) سوره حمد، عِدل قرآن است

1- [1] . محمدهادی بن محمدصالح مازندرانی؛ شرح فروع الکافی؛ ج3، ص34.
2- [2] . محمدهادی بن محمدصالح مازندرانی؛ شرح فروع الکافی؛ ج3، ص34.
3- [3] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج6، ص 232.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ الرِّضَا عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیه السلام عَنْ أَبِیهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام عَنْ أَخِیهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیمَ فَأَفْرَدَ الِامْتِنَانَ عَلَیَّ بِفَاتِحَهِ الْکِتَابِ وَ جَعَلَهَا بِإِزَاءِ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ وَ إِنَّ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِی کُنُوزِ الْعَرْشِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَصَّ مُحَمَّداً وَ شَرَّفَهُ بِهَا وَ لَمْ یُشْرِکْ مَعَهُ فِیهَا أَحَداً مِنْ أَنْبِیَائِهِ مَا خَلَا سُلَیْمَانَ فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم الخ(1).

امام حسن علیه السلام از پدرانشان نقل می کنند که امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: خداوند عز وجل در خطاب به من این گونه فرمود: "وَلَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانِی وَ الْقُرْآنَ الْعَظِیم": و به راستی، به تو سبع المثانی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ را عطا کردیم. "(2) که به واسطه سوره حمد بر من منت ویژه گذاشته و آن را همتای قرآن عظیم قرار داده است. امیر مؤمنان علیه السلام در ادامه فرمودند: فاتحه الکتاب برترین موجودیِ گنجینه های عرش الهی است و خداوند عز وجل آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آلهاختصاص داده و آن حضرت را به آن شرافت بخشیده و در

1- [1] . شیخ صدوق؛ أمالی؛ ص 175، مجلس سی و سوم. (این حدیث شریف را همه امامان D نقل کرده اند).
2- [2] . حجر: 87.

این جهت هیچ یک از پیامبران را با ایشان شریک نکرده، به جز حضرت سلیمان که به ایشان "بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم" آن را عطا فرموده است.

خواندن سوره حمد ثواب خواندن دو ثلث قرآن را دارد

عَنْ أُبَیِّ بْنِ کَعْبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَیُّمَا مُسْلِمٍ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْکِتَابِ أُعْطِیَ مِنَ الْأَجْرِ کَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَیِ الْقُرْآنِ وَ أُعْطِیَ مِنَ الْأَجْرِ کَأَنَّمَا تَصَدَّقَ عَلَی کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَه(1).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مسلمانی سوره حمد را بخواند به اندازه ای پاداش می گیرد که گویی دو سوم قرآن را تلاوت نموده است و به اندازه ای که گویی به همه مؤمنان صدقه داده است.

دو. گوشه هایی از اهمیت سورۀ توحید

الف) قرائت سوره توحید، معادل قرائت ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور است

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَاحِدَةً فَکَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ ثُلُثَ التَّوْرَاةِ وَ ثُلُثَ الْإِنْجِیلِ وَ ثُلُثَ الزَّبُور(2):

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که سوره توحید را بخواند گویی یک سوم همه کتاب های آسمانی، یعنی قرآن و تورات و انجیل و زبور را تلاوت نموده است.

قرائت سوره توحید، موجب آمرزش گناهان است

1- [1] . مجلسی؛بحارالانوار(ط.بیروت)؛ج 89، ص 259.
2- [2] . شیخ صدوق؛ التوحید؛ ص 95.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَهَ مَرَّهٍ حِینَ یَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبَ خَمْسِینَ سَنَه(1).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس هنگام خواب سوره "قل هو اللّه احد" را صد مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می آمرزد.

محبت به سوره توحید، نشانه محبت خداوند به بنده است

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَیْنٍ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله بَعَثَ سَرِیَّهً وَ اِسْتَعْمَلَ عَلَیْهَا عَلِیّاً علیه السلام فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا کُلُّ خَیْرٌ غَیْرَ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِی کُلِّ صَلَاهٍ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ یَا عَلِیُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّی لِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّی أَحَبَّکَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل(2).

عمران بن حصین می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله لشکری را به فرماندهی علی علیه السلام گسیل داشتند و پس از بازگشت لشکر، از ایشان در باره آن حضرت سؤال کردند. لشکریان در پاسخ گفتند: علی علیه السلام از هر جهت خوب و شایسته بود جز اینکه در همه نمازهای جماعت، پس از حمد، (قل هو اللّه احد) می خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله از علی صلی الله علیه و آله علت را پرسیدند. حضرت فرمودند: من به سوره "قل هواللّه احد" علاقه خاصی دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دلیل این محبت خاص این است که خداوند به تو محبت ویژه دارد.

قرائت مستمر سوره توحید، توجه ویژه فرشتگان را به همراه دارد

ص:29

1- [1] . همان.
2- [2] . همان؛ ص94.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام : أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله صَلَّى عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ لَقَدْ وَافَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِيهِمْ جَبْرَئِيلُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ بِمَ اسْتَحَقَّ صَلَاتَكُمْ عَلَيْهِ قَالَ بِقِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَائِماً وَ قَاعِداً وَ رَاكِباً وَ مَاشِياً وَ ذَاهِباً وَ جَائِيا(1).

سکونی از امام صادق علیه السلام ، و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود: هفتاد هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام نیز در میان آنان بود، بر جنازه او نماز خواندند. از جبرئیل پرسیدم: او چه عملی انجام داده بود که این شایستگی را پیدا کرد که شما بر جنازه او نماز خواندید؟ گفت: به سبب اینکه سوره "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ "را در حالت ایستاده و نشسته، سواره و پیاده، و در حال رفت و آمد تلاوت می کرد.

سه. گوشه هایی از اهمیت تسبیحات اربعه

الف) اذکار آسمانی، خوبی های ماندگار و بازدارنده از انواع حوادث ناگوار است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ أَ رَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَ الْآنِيَةِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَ كُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ السَّمَاءَ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أ فَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَ فَرْعُهُ فِي السَّمَاءِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً_ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَ فَرْعَهُنَّ فِي السَّمَاءِ وَ هُنَّ يَدْفَعْنَ

1- [1] . همان؛ ص95.

الْهَدْمَ وَ الْغَرَقَ وَ الْحَرَقَ وَ التَّرَدِّیَ فِی الْبِئْرِ وَ أَکْلَ السَّبُعِ وَ مِیتَهَ السَّوْءِ وَ الْبَلِیَّهَ الَّتِی تُنْزَلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَی الْعَبْدِ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ وَ هُنَّ الْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ.(1)

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به یاران خود فرمودند: آیا اگر لباس ها و ظرف هایتان را جمع کرده و آنها را روی هم بگذارید، به آسمان خواهد رسید؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! حضرت فرمودند: نمی خواهید چیزی به شما بگویم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟ عرض کردند: چرا ای رسول خدا! حضرت فرمودند: هر کدام از شما بعد از نماز واجبش سی بار بگوید: "سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الّا اللّه و اللّه اکبر"؛ زیرا ریشه این ذکرها در زمین و شاخه اش در آسمان است. این ذکرها از زیر آوار ماندن، با آتش سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، طعمه درندگان شدن، مرگ بد و حادثه ناگواری که در آن روز از آسمان فرود می آید، جلوگیری می کند.

خواندن تسبیحات اربعه موجب استجابت دعا است

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَهِ النَّضْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّهً فِى دُبُرِ كُلِّ صَلَاهٍ فَرِيضَهٍ قَبْلَ أَنْ يَثْنِىَ رِجْلَيْهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أَعْطِىَ مَا سَأَل.(2).

حارث بن مغیره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هرکس بعد از هر نماز واجب قبل از...چهل بار "سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ (ط - بیروت)؛ ج90، ص173.
2- [2] . شیخ صدوق؛ امالی؛ ص183، مجلس چهل و سوم.

اللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید و پس از آن از خداوند درخواست کند، حاجتش برآورده می شود.

خواندن تسبیحات اربعه، متمم نمازِ شکسته است

خواندن سی مرتبه تسبیحات اربعه بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام در سفر بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه "سبحان اللّٰه و الحمد لله و لااله الا اللّٰه واللّٰه اکبر" را بر زبان جاری می ساختند و می فرمودند: این متمم نماز قصر(شکسته) است.(1)

تسبیحات اربعه، زیربنای اسلام است

رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ سُمِّیَتِ الْکَعْبَهُ کَعْبَهَ قَالَ لِأَنَّهَا مُرَبَّعَهٌ فَقِیلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرَبَّعَهً قَالَ لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِیلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْبَیْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِیلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعاً قَالَ لِأَنَّ الْکَلِمَاتِ الَّتِی بُنِیَ عَلَیْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَ هِیَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَر.(2)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: برای چه کعبه، کعبه نامیده شد؟ حضرت فرمودند: زیرا چهارگوش است. محضر مبارکش عرض شد: برای چه چهارگوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی بیت المعمور است و آن چهار گوش می باشد. عرض شد: برای چه بیت المعمور چهار گوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی عرش است و آن چهار گوش است. محضر

1- [1] . عیون أخبار الرضا علیه السلام ؛ ترجمه محمدتقی آقانجفی؛ ج2، ص425.
2- [2] . شیخ صدوق؛ علل الشرائع؛ ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی؛ ج2، ص287.

مبارکش عرض شد: چرا عرش مربّع است؟ فرمودند: زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار تا است و آنها عبارت اند از: "سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الّا اللّه و اللّه اکبر".

چهار. گوشه های از اهمیت صلوات بر پیامبر و اهل بیت صلی الله علیه و آله

الف) خداوند متعال از صلوات پیوستهٔ خود و فرشتگان بر پیامبر (و اهل بیت ایشان(D)(1) خبر داده و همگان را به این امر و به تسلیم شدن در پیشگاه ایشان فرمان داده است:"إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً(2)"

ب) صلوات بر پیامبر و آل ایشان موجب صلوات مضاعف خداوند بر فرستندهٔ صلوات است

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ فَرُّوخَ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرُّوخَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفاً، أَ مَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الَّذِى يُصَلِّى عَلَيْكُمْ وَ مَلائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ كانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيماً.1و2

ص:33

1- [1] . بر اساس روایات، صلوات بر پیامبر با صلوات بر ایشان و اهل بیتشان محقق می شود؛ از آن جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "لا تصلّوا علیّ الصّلوه البتراء، فقالوا یا رسول اللّه ما الصّلوه البتراء؟ قال ان تقولوا: اللّهم صلّ علی محمد، بل قولوا: اللّهم صل علی محمّد و آل محمّد": بر من درود بی دنباله نفرستید. گفتند: یا رسول اللّه درود بی دنباله چیست؟ فرمود: اینکه می گویید: اللّهم صل علی محمّد، بلکه بگویید: اللّهم صل علی محمّد و آل محمّد (صحیفه سجادیه؛ ترجمه و شرح فیض الإسلام؛ ص43، دعای دوم. همچنین ر.ک: علامه مجلسی؛ مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج12، ص107، ح21.
2- 2. ا حزاب: 56.

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق بن فروخ هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگانِ او صد بار بر او صلوات می فرستند، و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات می فرستند، آیا گفتار خدای عز و جل را نشنیده ای [که می فرماید:] "اوست آن خداوندی که رحمت (یا درود) فرستد بر شما (او) و و همچنین فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکی ها بسوی روشنایی(1) و او نسبت به مؤمنان مهربان است".

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: مَا فِی الْمِیزَانِ شَیْ ءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَتُوضَعُ أَعْمَالُهُ فِی الْمِیزَانِ فَتَمِیلُ بِهِ فَیُخْرِجُ صلی الله علیه و آله الصَّلَاهَ عَلَیْهِ فَیَضَعُهَا فِی مِیزَانِهِ فَیَرْجَحُ بِه.(2)

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق D نقل می کند که فرمود: در میزان (ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک باشد، پس ثواب صلوات او درآید و آن را در میزان نهد؛ پس سبب آن سنگین گردد و [بر کفه دیگر] بچربد.

1- [1] . توجه به دعای وارد شده از ناحیه مقدسه، برای فهمیدن نمونه های روشن تاریکی و نور مفید است: "اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ وَ کَلِمَهِ نُورِکَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِی نُورَ الْیَقِینِ وَ صَدْرِی نُورَ الْإِیمَانِ وَ فِکْرِی نُورَ الثَّبَاتِ وَ عَزْمِی نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِی نُورَ الصِّدْقِ وَ دِینِی نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِکَ وَ بَصَرِی نُورَ الضِّیَاءِ وَ سَمْعِی نُورَ الْحِکْمَهِ وَ مَوَدَّتِی نُورَ الْمُوَالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ D حَتَّی أَلْقَاکَ وَ قَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَ مِیثَاقِکَ فَتُغَشِّیَنِی رَحْمَتُکَ یَا وَلِیُّ یَا حَمِید" (علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج53، ص172).
2- [2] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج2، ص494 و اصول کافی؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ ج4، ص252.

4. توجه به مذمت های سبک شمردن نماز

یکی دیگر از عواملی که اهمیت نماز را برای نمازگزار بیشتر می کند، توجه به مذمت هایی است که دربارهٔ سبک شمردن نماز آمده است.

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی قَالَ: قَالَ لِی أَبُوعَبْدِ اللَّهِ یَوْماً: تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّیَ یَا حَمَّادُ؛ قَالَ: فَقُلْتُ یَا سَیِّدِی أَنَا أَحْفَظُ کِتَابَ حَرِیزٍ فِی الصَّلَاهِ. قَالَ فَقَالَ: لَا عَلَیْکَ، قُمْ صَلِّ قَالَ فَقُمْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ مُتَوَجِّهاً إِلَی الْقِبْلَهِ فَاسْتَفْتَحْتُ الصَّلَاهَ وَ رَکَعْتُ وَ سَجَدْتُ فَقَالَ یَا حَمَّادُ لَا تُحْسِنُ أَنْ تُصَلِّیَ مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ أَنْ یَأْتِیَ عَلَیْهِ سِتُّونَ سَنَةً أَوْ سَبْعُونَ سَنَةً فَمَا یُقِیمُ صَلَاةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَّه... .(1)

حماد بن عیسی گوید: روزی امام ششم به من فرمود: می توانی خوب نماز بخوانی؟ عرض کردم یا سیدی من کتاب نماز حریز را حفظ هستم. فرمود: بر تو باکی نیست. برخیز نماز بخوان. گوید: برابر آن حضرت رو به قبله ایستادم و تکبیر نماز گفتم و رکوع و سجود نمودم. فرمود: ای حماد خوب نماز نمی خوانی و چه اندازه بر مرد زشت است که شصت سالش شود و یک نماز کامل و تمام بر پا ندارد...(2)

ص:35

1- [1] . شیخ صدوق؛ أمالی؛ ص414، مجلس جهل و ششم.
2- [2] . ... ادامه حدیث: حماد گوید پیش خود خوار شدم و عرض کردم قربانت نماز را به من بیاموز. امام صادق علیه السلام رو بقبله ایستاد، تمام قد و دو دست را تا ران پایین انداخت که انگشتانش به هم چسبیده بود و دو گام را به هم نزدیک کرد تا فاصله آنها سه انگشت گشاده شد و انگشتان پایش همه را برابر قبله نمود و منحرف نساخت. در حال خشوع و استکانت گفت: اللّه اکبر. حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ را آرام خواند و به اندازه نفسی درنگ کرد و ایستاده گفت: اللّه اکبر. سپس به رکوع رفت و دو کف خود را که انگشتانش باز بود از دو سر زانو پر کرد و زانو را عقب داد تا پشت او هموار شد که اگر قطره آبی یا روغنی بر آن می چکید، نمی لغزید؛ از بس پشتش هموار بود، و گردن کشید و چشم ها خوابانید. سه بار به آرامی فرمود: سبحان اللّه ربی العظیم و بحمده. و به ایستادن برخاست و چون بر جا شد، گفت: سمع اللّه لمن حمده. و همان ایستاده تکبیر گفت و دو دست را تا برابر رو بلند کرد و به سجده رفت و دو کف را که انگشتانش به هم چسبیده بود، میانه دو سر زانو برابر روی نهاد و سه بار

گفت: سبحان ربی الاعلی و بحمده. و چیزی از اعضای بدن را بر هم نگذاشت و بر هشت عضو سجده کرد: پیشانی، دو کف، دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پاها که این هفت واجب است و سر بینی را بر زمین نهاد و این سنت (مستحب) است و همان ارغام است. سپس سر از سجده برداشت و چون بر جا نشست گفت: اللّٰه اکبر و بر طرف چپ نشست و روی پای راستش را بر پشت پای چپش نهاد و گفت: أستغفر اللّٰه ربی و اتوب الیه. و همان نشسته باز تکبیر گفت و به سجده دوم رفت و همان گفت که در سجده اول گفته بود و در رکوع و سجود هیچ عضو تنش از هم کمک نگرفتند و دست ها را از زیر تن بیرون داده بود مانند پر، و دو ذراع(از آرنج تا مچ دست)را بر زمین نگذاشته بود. به همین روش دو رکعت نماز خواند و فرمود: ای حماد چنین نماز بخوان و رو بر مگردان و با دست و انگشت بازی مکن و به سوی راست و چپ آب دهن میانداز و نه پیش روی خود.

قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الرَّجُلَیْنِ مِنْ أُمَّتِی یَقُومَانِ فِی الصَّلَاهِ وَ رُکُوعُهُمَا وَ سُجُودُهُمَا وَاحِدٌ وَ إِنَّ مَا بَیْنَ صَلَاتَیْهِمَا مِثْلُ مَا بَیْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آلهفرمودند: ممکن است دو نفر از امت من مشغول نماز شوند و [در ظاهر] رکوع و سجده ای یکسان به جا آورند و حال آنکه فاصله بین نمازشان همچون فاصله بین آسمان و زمین است.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَ إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِی الصَّلَاهِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِمَلَائِکَتِهِ: أَ مَا تَرَوْنَ إِلَی عَبْدِی کَأَنَّهُ یَرَی أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِیَدِ غَیْرِی أَ مَا یَعْلَمُ أَنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِهِ بِیَدِی.(2)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را مختصر بخواند و سبک شمارد، خداوند تبارک و تعالی [به فرشتگان] می فرماید: آیا به بنده من نمی نگرید، گویا خیال می کند که برآورده شدن

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج81، ص249.
2- [2] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص269.

حوایجش به دست غیر من است. آیا نمی داند که برآورده شدن خواسته هایش به دست من است؟

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : قَالَ أَبْصَرَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام رَجُلًا یَنْقُرُ صَلَاتَهُ فَقَالَ مُنْذُ کَمْ صَلَّیْتَ بِهَذِهِ الصَّلَاهِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مُنْذُ کَذَا وَ کَذَا فَقَالَ مَثَلُکَ عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ الْغُرَابِ إِذَا نَقَرَ لَوْ مِتَّ مِتَّ عَلَی غَیْرِ مِلَّهِ أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام : إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسِ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: امیر المؤمنین علی علیه السلام مردی را دیدند که شتابان و بدون رعایت طمأنینه نماز می گزارد. حضرت از او پرسیدند چند وقت است که چنین نماز می گزاری. گفت: مدتی است. فرمودند: مَثَل تو در پیشگاه خداوند، مَثَل کلاغ است که نوک به زمین می زند، اگر با این حال بمیری به آیین ابو القاسم صلی الله علیه و آله نخواهی مرد. سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: همانا دزدترین مردم کسی است که از نماز خود می دزدد.

عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَی أُمِّ حَمِیدَهَ أُعَزِّیهَا بِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَبَکَتْ وَ بَکَیْتُ لِبُکَائِهَا ثُمَّ قَالَتْ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَیْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَیْتَ عَجَباً فَتَحَ عَیْنَیْهِ ثُمَّ قَالَ اجْمَعُوا کُلَّ مَنْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ قَرَابَهٌ قَالَتْ فَمَا تَرَکْنَا أَحَداً إِلَّا جَمَعْنَاهُ فَنَظَرَ إِلَیْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفّاً بِالصَّلَاه.(1)

ابوبصیر می گوید: پیش ام حمیده رفتم که به او رحلت امام صادق علیه السلام را تسلیت بگویم، گریست و از گریه او من هم گریستم. سپس گفت: ای ابومحمد اگر امام صادق علیه السلام را هنگام رحلت ایشان دیده بودی، چیز عجیبی

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج4، ص27.

می دیدی؛ چشمهایش را گشود و فرمود: همه کسانی را که نزدیکان من هستند و میان من و ایشان خویشاوندی است، جمع کنید. همگان را جمع کردیم، امام علیه السلام به آنان نگریست و فرمود: همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمرد، نخواهد رسید.

عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا یَزَالُ الشَّیْطَانُ ذَعِراً مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَی الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَیَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَیْهِ فَأَدْخَلَهُ فِی الْعَظَائِمِ(1).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: تا وقتی که آدمی نمازهای پنجگانه خویش را به وقت خود بگزارد شیطان از او ترسان و گریزان است و چون نمازها را تباه کند، شیطان بر او دست می یابد و او را به گناهان بزرگ می کشاند.

فَلَاحُ السَّائِلِ، أَرْوِی بِحَذْفِ الْإِسْنَادِ عَنْ سَیِّدَهِ النِّسَاءِ فَاطِمَهَ ابْنَهِ سَیِّدِ الْأَنْبِیَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهَا وَ عَلَی أَبِیهَا وَ عَلَی بَعْلِهَا وَ عَلَی أَبْنَائِهَا الْأَوْصِیَاءِ أَنَّهَا سَأَلَتْ أَبَاهَا مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله فَقَالَتْ یَا أَبَتَاهْ مَا لِمَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ قَالَ یَا فَاطِمَهُ مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسَ عَشْرَهَ خَصْلَهً سِتٌّ مِنْهَا فِی دَارِ الدُّنْیَا وَ ثَلَاثٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَ ثَلَاثٌ فِی قَبْرِهِ وَ ثَلَاثٌ فِی الْقِیَامَهِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأَمَّا اللَّوَاتِی تُصِیبُهُ فِی دَارِ الدُّنْیَا فَالْأُولَی یَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَکَهَ مِنْ عُمُرِهِ وَ یَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَکَهَ مِنْ رِزْقِهِ وَ یَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سِیمَاءَ الصَّالِحِینَ مِنْ وَجْهِهِ وَ کُلُّ عَمَلٍ یَعْمَلُهُ لَا یُؤْجَرُ عَلَیْهِ وَ لَا یَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ السَّادِسَهُ لَیْسَ لَهُ حَظٌّ فِی دُعَاءِ الصَّالِحِینَ وَ أَمَّا اللَّوَاتِی تُصِیبُهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنَّهُ یَمُوتُ ذَلِیلًا وَ الثَّانِیَهُ یَمُوتُ جَائِعاً وَ الثَّالِثَهُ یَمُوتُ عَطْشَاناً فَلَوْ سُقِیَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْیَا لَمْ یَرْوَ عَطَشُهُ وَ أَمَّا اللَّوَاتِی تُصِیبُهُ فِی قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ یُوَکِّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَکاً یُزْعِجُهُ فِی قَبْرِهِ وَ الثَّانِیَهُ یُضَیَّقُ عَلَیْهِ قَبْرُهُ وَ الثَّالِثَهُ تَکُونُ الظُّلْمَهُ فِی قَبْرِهِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِی تُصِیبُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنْ یُوَکِّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَکاً یَسْحَبُهُ عَلَی وَجْهِهِ وَ الْخَلَائِقُ یَنْظُرُونَ

1- [1] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص269.

إِلَيْهِ وَ الثَّانِيَهُ يُحَاسَبُ حِسَاباً شَدِيداً وَ الثَّالِثَهُ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ لَا يُزَكِّيهِ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيم.(1)

سرور زنان، فاطمه، دختر سرور پیامبران که درودهای خداوند بر او و پدر و شوی و پسران اوصیای او باد، از پدر بزرگوارش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله پرسید: ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می نماید: شش گرفتاری در سرای دنیا، و سه گرفتاری هنگام مرگ، و سه گرفتاری در قبرش، و سه گرفتاری در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

مصیبت هایی که در دنیا بدان مبتلا می گردد عبارت اند از:

1. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی دارد.

2. خداوند، خیر و برکت را از روزی اش برمی دارد.

3. خداوند عزّوجلّ نشانه صالحان را از چهره او محو می فرماید.

4. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی شود.

5. دعای او به سوی آسمان بالا نمی رود و مستجاب نمی گردد.

6. هیچ بهره ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.

و مصائبی که هنگام مرگ به او می رسد بدین ترتیب است:

1. با حالت خواری و زبونی جان می دهد.

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج80، ص22.

2. گرسنه می میرد.

3. تشنه جان می سپارد، به گونه ای که اگر آب تمام رودخانه های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی اش برطرف نخواهد شد.

و مصیبت هایی که در قبرش بدان گرفتار می گردد، بدین قرار می باشد:

1. خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.

2. خداوند گور را بر او تنگ می گرداند.

3. قبرش تاریک می شود.

و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می شود، عبارت است از:

1. خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا در حالی که مردم به او می نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.

2. سخت از او حساب می کشند.

3. خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده، از بدی ها پاکیزه اش نمی گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أُهْدِیَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَاقَتَانِ عَظِیمَتَانِ فَجَعَلَ إِحْدَاهُمَا لِمَنْ یُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ لَا یَهُمُّ فِیهِمَا بِشَیْ ءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْیَا وَ لَمْ یُجِبْهُ أَحَدٌ سِوَی عَلِیٍّ علیه السلام فَأَعْطَاهُ کِلْتَیْهِمَا.(1)

ص:40

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحارالأنوار ج41، ص18.

روزی دو شتر بزرگ به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله هدیه شد. آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز را خالصانه برای خدای عز و جل به جای آورد و قلبش فقط متوجه اللَّه باشد و از کار دنیا چیزی در قلبش خطور نکند و در ذهنش راه نیابد، تا یکی از دو شتر را به او بدهم. علی علیه السلام برخاست و به نماز ایستاد. وقتی نماز را به پایان رسانید...، رسول اللَّه صلی الله علیه و آله هر دو شتر را به علی علیه السلام عطا فرمود.(1)

5.توجه به عنایت خداوند به نمازگزار

از دیگر مواردی که اهمیت نماز را برای نمازگزار بیش از پیش جلوه گر می کند، توجه به عنایات پروردگار به نمازگزار است.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام : لِلْمُصَلِّی ثَلَاثُ خِصَالٍ مَلَائِکَهٌ حَافِّینَ مِنْ قَدَمَیْهِ إِلَی أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَ الْبِرُّ یَنْتَثِرُ عَلَیْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَی قَدَمِهِ وَ مَلَکٌ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ یَسَارِهِ فَإِنِ الْتَفَتَ قَالَ الرَّبُّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِلَی خَیْرٍ مِنِّی تَلْتَفِتُ یَا ابْنَ آدَمَ لَوْ یَعْلَمُ الْمُصَلِّی مَنْ یُنَاجِی مَا انْفَتَل. (2)

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: چون نمازگزار به نماز می ایستد، برای او سه خصلت است: فرشتگانی او را از جای پاهایش تا آسمان احاطه می کنند، و از آسمان بر فرق سرش رحمت و نیکی فرو می ریزد و فرشته ای از سمت راست و چپ بر او گماشته می شود. در این حال اگر نماز گزار توجه خود را از

1- [1] . مشروح روایت در کتاب البرهان فی تفسیرالقرآن؛بحرانی؛ سیدهاشم بن سلیمان؛ ج5 ص 149، ملاحظه شود.
2- [2] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج7، ص289.

دست بدهد خدای تبارک و تعالی ندا می دهد: بهتر از من کسی را یافته ای که به او توجه می کنی؟ اگر نمازگزار می دانست با چه کسی مشغول مناجات است خسته و آزرده نمی شد.

عَنْ أَبِی ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی وَصِیَّتِهِ لَهُ قَالَ بَعْدَ مَا ذَکَرَ فَضْلَ الصَّلَاهِ فِی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ النَّبِیِّ وَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا کُلِّهِ صَلَاهٌ یُصَلِّیهَا الرَّجُلُ فِی بَیْتِهِ حَیْثُ لَا یَرَاهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَطْلُبُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَی یَا أَبَا ذَرٍّ مَا دُمْتَ فِی صَلَاهٍ فَإِنَّکَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِکِ وَ مَنْ یُکْثِرْ قَرْعَ بَابِ الْمَلِکِ یُفْتَحْ لَهُ یَا أَبَا ذَرٍّ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَقُومُ إِلَی الصَّلَاهِ إِلَّا تَنَاثَرَ عَلَیْهِ الْبِرُّ مَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْعَرْشِ وَ وُکِّلَ بِهِ مَلَکٌ یُنَادِی یَا ابْنَ آدَمَ لَوْ تَعْلَمُ مَا لَکَ فِی صَلَاتِکَ وَ مَنْ تُنَاجِی مَا سَئِمْتَ وَ لَا الْتَفَت.(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارشاتشان به ابوذر پس از آنکه فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله را بیان کردند فرمودند: از همه این ها بهتر نماز مستحبی است که انسان در خانه خود، آنجا که جز خدا کسی او را نمی بیند، خالصانه به جای می آورد. ابوذر! مادامی که در نمازی، درِ خانهٔ پادشاه عالم را می کوبی و آن که درِ خانه پادشاه را بسیار بکوبد، در بر او گشوده می شود. ابوذر! هیچ مؤمنی به نماز نمی ایستد مگر این که ما بین عرش تا سرش، نیکی ریزش می کند و فرشته ای بر او گمارده می شود که بانگ برآورد: ای فرزند آدم اگر می دانستی چه بهره ای از نماز داری و با چه کسی مشغول مناجات هستی خسته و آزرده نمی شدی.

1- [1] . همان؛ ج5، ص296.

وَ قَالَ علیٍ علیه السلام : إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَی الصَّلَاهِ أَقْبَلَ إِلَیْهِ إِبْلِیسُ یَنْظُرُ إِلَیْهِ حَسَداً لِمَا یَرَی مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ الَّتِی تَغْشَاه.(1)

حضرت امام علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که شخصی به نماز می ایستد، چنان رحمت خداوند سر تا پای وجودش را می گیرد که حسادت شیطان برانگیخته می شود وشیطان با حسادت به او می نگرد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمُصَلِّی الْقِبْلَهَ اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَیْرُه.(2)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: چون نماز گزار رو به قبله کند، به سوی خداوند رحمان که جز او معبودی نیست، روی نموده است.

6. توجه به حالات پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمهD و اهتمام ایشان به نماز

از دیگر مواردی علیه السلام که اهمیت نماز را برای ما آشکار می کند، توجه به اهتمام ویژۀ پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه به نماز است.

یک. پیامبر صلی الله علیه و آله

وَ قَالَتْ عَائِشَهُ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یُحَدِّثُنَا وَ نُحَدِّثُهُ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاهُ فَکَأَنَّهُ لَمْ یَعْرِفْنَا وَ لَمْ نَعْرِفْهُ.(3)

ص:43

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج79، ص207.
2- [2] . علامه مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج79 ص219.
3- [3] . همان؛ ج81، ص258.

عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما مشغول سخن گفتن بود، و ما با او سخن می گفتیم. همین که موقع نماز می شد، او را حالتی دست می داد که گویی نه او ما را می شناسد، و نه ما او را می شناسیم.

دو. امیرالمؤمنین علیه السلام

ذَکَرَ مُصَنِّفُ کِتَابِ اللُّؤْلُؤِیَّاتِ فِی بَابِ الْخُشُوعِ قَالَ کَانَ عَلِیُّ بْن أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاهِ یَتَزَلْزَلُ وَ یَتَلَوَّن فَیُقَالُ لَهُ مَا لَکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَیَقُولُ جَاءَ وَقْتُ أَمَانَهِ اللَّهِ الَّتِی عَرَضَهَا عَلَی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ فَلَا أَدْرِی أُحْسِنُ أَدَاءَ مَا حُمِّلْتُ أَمْ لَا.(1)

نویسندۀ کتاب لؤلؤیات در باب خشوع نوشته است: علی بن ابی طالب علیه السلام هر گاه وقت نماز می رسید، بر خود می لرزید و رنگ به رنگ می شد. از آن حضرت پرسیدند: ای امیر المؤمنین! شما را چه می شود؟ می فرمود: وقت [ادای] امانت خدا فرا رسیده است؛ همان امانتی که خداوند به آسمان ها و زمین عرضه کرد و آنها از برداشتن آن امتناع کرده، ترسیدند ولی انسان آن را برداشت. و من نمی دانم آیا امانتی را که به عهده دارم نیکو، ادا خواهم کرد یا نه؟

سه. فاطمه سلام الله علیها

قال النبی صلی الله علیه و آله: وَ أَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَهُ فَإِنَّهَا سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ هِیَ بَضْعَهٌ مِنِّی وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ هِیَ ثَمَرَهُ فُؤَادِی وَ هِیَ رُوحِیَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیَّ وَ هِیَ الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِیَّهُ مَتَی قَامَتْ فِی مِحْرَابِهَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِکَهِ السَّمَاءِ کَمَا یَزْهَرُ نُورُ الْکَوَاکِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ یَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِکَتِهِ یَا مَلَائِکَتِی

1- [1] . علامه مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج79، ص248.

انْظُرُوا إِلَی أَمَتِی فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ إِمَائِی قَائِمَهً بَیْنَ یَدِیَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِیفَتِی وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَی عِبَادَتِی أُشْهِدُکُمْ أَنِّی قَدْ آمَنْتُ شِیعَتَهَا مِنَ النَّارِ.(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه دختر من برترینِ زنان از اوّلین تا آخرین آنهاست. فاطمه پاره تن من است. فاطمه نور دو چشم من است. فاطمه میوه قلب من است. فاطمه روح و جان من است. فاطمه حوریه ای است که به قیافه انسان در آمده است. هنگامی که فاطمه در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می ایستد، نور او برای ملائکهٔ آسمان نظیر نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد. خداوند به ملائکهٔ خود می فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه که برترین کنیزان من است، نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضا و جوارح او از خوف من می لرزد. فاطمه با توجه قلبی مشغول عبادت من شده است. من شما را شاهد می گیرم که شیعیان وی را از آتش ایمن می دارم.

چهار. امام حسن علیه السلام

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ علیه السلام أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام کَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِی زَمَانِهِ وَ أَزْهَدَهُمْ وَ أَفْضَلَهُم و... وَ کَانَ إِذَا قَامَ فِی صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِصُهُ بَیْنَ یَدَیْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ کَانَ إِذَا ذَکَرَ الْجَنَّهَ وَ النَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِیمِ وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّهَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّار.(2)

ص:45

1- [1] . همان، ج28، ص37.
2- [2] . علامه مجلسی؛ بحارالانوار، ج43، ص331.

امام صادق علیه السلام از پدر و ایشان از پدرانشان علیه السلام نقل می کنند: امام حسن بن علی علیه السلام عابدترین و زاهدترین و فاضل ترین مردم در روزگار خود بود. اگر به حج می رفت با پای پیاده و چه بسا با پای برهنه می رفت. هر گاه به یاد مرگ می افتاد،گریه می کرد. وقتی برانگیخته شدن در قیامت را به یاد می آورد، گریه می کرد. به یاد گذشتن از صراط که می افتاد، گریه می کرد و آنگاه که به یاد عرضه اعمال در برابر ذات اقدس الهی می افتاد، نعره ای می زد و خاموش می شد. وقتی در برابر پروردگار عزیز و جلیلش به نماز می ایستاد، گوشت های دو پهلویش می لرزید و هر وقت بهشت و جهنم را یاد می کرد مانند انسان مارگزیده، به اضطراب می آمد. از خدا آرزوی بهشت می کرد و از جهنم به او پناه می برد.

پنج. امام زین العابدین علیه السلام

وَ رَوَی الْکُلَیْنِیُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ کَانَ أَبِی یَقُولُ کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام إِذَا قَامَ فِی الصَّلَاهِ کَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَهٍ لَا یَتَحَرَّکُ مِنْهُ شَیْ ءٌ إِلَّا مَا حَرَّکَتِ الرِّیحُ مِنْه.(1)

امام صادق علیه السلام : پدرم می فرمود: علی بن الحسین علیه السلام هرگاه به نماز می ایستاد، به ساقه درختی می ماند که اصلاً تکان نمی خورد مگر قسمت هایی از آن که باد تکان می دهد.

1- [1] . همان، ج81، ص248.

شش. امام باقر و امام صادق علیه السلام

عَنْ أَبِی أَیُّوبَ قَالَ: کَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا قَامَا إِلَی الصَّلَاهِ تَغَیَّرَتْ أَلْوَانُهُمَا حُمْرَهً وَ مَرَّهً صُفْرَهً کَأَنَّمَا یُنَاجِیَانِ شَیْئاً یَرَیَانِه.(1)

از ابو ایّوب نقل شده است: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هر گاه به نماز بر می خاستند، رنگشان تغییر می کرد؛ گاهی سرخ و گاهی زرد می شدند، گویی با کسی مناجات می کنند که او را می بینند.

7.تقویت اعتقاد به قیامت

عامل دیگری که اهمیت نماز را در نگاه نمازگزار بیشتر می کند، اعتقاد به معاد و تقویت این اعتقاد است.

قال اللّه تعالی: و استعینوا بالصبر و الصلوه و انّها (أی الصلوه) لکبیره (عظیمه ثقیله) إلا علی الخاشعین، الذین یظنّون أنّهم ملاقوا ربّهم و أنهم إلیه راجعون.(2)

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: از شکیبایی و نماز یاری جویید؛ و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان. همان کسانی که می دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او باز خواهند گشت.

1- [1] . همان، 248، ص226.
2- [2] . بقره: 45-46.

راه های تکمیل نماز

پس از آنکه اهمیت نماز روشن شد و نماز، کاری مهم، بلکه مهم ترین کار برایمان جلوه نمود، خودبه خود در صدد تکمیل آن برمی آییم؛ به گونه ای که ثمرهٔ آن " که نهی از فحشاء و منکر است" عملی شود و غرض اصلی آن که "یاد خداست" تحقق پذیرد. در این بخش به بیان راه حل مشکل دوم نمازهایمان می پردازیم و در راستای حل این مشکی که" نمازهای ما ناقص است"، راه های زیر را می توان از فرمایش های معصومینb استفاده کرد:

1. فراگیری احکام نماز

یادگرفتن و رعایت کردن احکام نماز از قبیل واجبات، ارکان، مبطلات، مقدمات و اموری از این قبیل، شرط اساسی گام نهادن در فضای تکمیل است، چرا که بدون اینها ممکن است نماز، به مرحله صحت هم نرسد تا بتوان از کمال آن هم سخن گفت.

2. رعایت آداب ظاهری نماز

رعایت آداب ظاهری نماز، ما را بیش از پیش کمک می کند تا نماز کاملی بخوانیم. فراموش نکنیم که نکته اصلی روایت حماد (که مورد نکوهش امام

صادق علیه السلام قرار گرفت) توجه به آداب ظاهری نماز بود. از آداب نماز می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. انتخاب مکان مناسب؛

ب. انتخاب لباس مناسب؛

ج. پرهیز از حرکت های اضافی (که منافی با حضور در محضر ربّ العالمین است)

عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام فِی حَدِیثِ الْأَرْبَعِمِائَهِ قَالَ وَ لَا یَعْبَثِ الرَّجُلُ فِی صَلَاتِهِ بِلِحْیَتِهِ وَ لَا بِمَا یَشْغَلُهُ عَنْ صَلَاتِه.(1)

در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: مرد نباید هنگام نماز، با ریشش یا هر چیزی که او را از نماز باز می دارد، بازی کند.

د. پرهیز از نماز در حالت کسالت

خداوند در قران کریم می فرماید: "یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاهَ وَ أَنْتُمْ سُکاری حَتَّی تَعْلَمُوا ما تَقُولُونَ."(2) گفتنی است "سکر" در آیه مذکور به "مستی خواب" نیز تفسیر شده است. عن أبی اسامه زید الشحام، قال: قلت لأبی عبد اللّه علیه السلام : قول اللّه عز و جل: "لا تَقْرَبُوا الصَّلاهَ وَ أَنْتُمْ سُکاری" فقال: "سکر النوم":(3) زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نظرتان درباره این قول خداوند عز و جل که می فرماید: در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، چیست؟ حضرت فرمودند: مراد، مستی خواب است.

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج7، ص261.
2- [2] . نساء: 43.
3- [3] . بحرانی؛ سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج 2، ص81؛ به نقل از: شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص299.

"إِنَّ الْمُنافِقينَ يُخادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خادِعُهُمْ وَ إِذا قامُوا إِلَى الصَّلاةِ قامُوا كُسالى يُراؤُنَ النَّاسَ وَ لا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلاَّ قَليلاً(1)": منافقان همواره با خدا نیرنگ می کنند، و حال آنکه خدا کیفر دهندهٔ نیرنگ آنان است؛ و هنگامی که به نماز می ایستند، باکسالت می ایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری می کنند و خدا را جز اندکی به یاد نمی آورند.

فی حدیث المعراج: یَا أَحْمَدُ عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثَهِ عَبِیدٍ؛ عَبْدٌ دَخَلَ فِی الصَّلَاهِ وَ هُوَ یَعْلَمُ إِلَی مَنْ یَرْفَعُ یَدَیْهِ وَ قُدَّامَ مَنْ هُوَ وَ هُوَ یَنْعُس... .

در حدیث معراج آمده است : ای احمد ! از سه بنده در شگفتم: [اولی] بنده ای که به نماز می ایستد و می داند دست به سوی چه کسی برمی دارد و در برابر چه کسی ایستاده است، اما خواب آلود است... .

ه. توجه نکردن به راست و چپ

رَوَی مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَنْهُ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَی یَمِینِهِ وَ شِمَالِهِ مُتَعَمِّداً فِی الصَّلَاهِ فَلَا صَلَاهَ لَهُ.(2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که در نماز کاری کند که بداند در طرف راست و چپ او کیست، نمازش درست نیست.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَی الْعَبْدِ مَا لَمْ یَلْتَفِت.(3)

1- [1] . نساء: 142.
2- [2] . همان، ج81، ص226.
3- [3] . همان،ج81، ص261.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: تا زمانی که بنده التفات [و توجه به غیر خدا] نکند، خداوند رو به او دارد.

عَلِیٌّ علیه السلام قَالَ: الِالْتِفَاتُ فِی الصَّلَاهِ اخْتِلَاسٌ مِنَ الشَّیْطَانِ فَإِیَّاکُمْ وَ الِالْتِفَاتَ فِی الصَّلَاهِ فَإِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَی الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِی الصَّلَاهِ فَإِذَا الْتَفَتَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی یَا ابْنَ آدَمَ عَمَّنْ تَلْتَفِتُ ثَلَاثَهً فَإِذَا الْتَفَتَ الرَّابِعَهَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ.(1)

امام علی علیه السلام فرمودند : التفات [و توجه به غیر خدا] در حال نماز، دست بردی از جانب شیطان است. پس، از توجه به غیر خدا در حال نماز بپرهیزید؛ زیرا هرگاه بنده به نماز بایستد، خداوند تبارک و تعالی به او رو می کند، و چون بنده به این سو و آن سو توجه کند، خداوند تبارک و تعالی فرماید: ای فرزند آدم! از که روی می گردانی!؟ _ تا سه مرتبه _ و چون برای چهارمین بار بنده به غیر خدا توجه کرد، خداوند نیز از او روی می گردانَد.

3. افزایش حضور قلب با برطرف کردن موجبات حواس پرتی

از دیگر عوامل کامل کردن نماز، افزایش حضور قلب است. و حضور قلب بدون تلاش برای برطرف کردن موجبات حواس پرتی، حاصل نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: لایقبل اللّه صلوه عبد لایحضر قلبه مع بدنه(2).

خداوند نماز بنده ای را که دلش در کنار بدنش حضور ندارد، نمی پذیرد.

إنّ العبد لیصلّی الصلوه لایکتب له سُدسها و لا عُشرها و إنما یکتب للعبد من صلوته ما عقل منها(3).

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج7، ص288.
2- [2] .بحارالانوار؛ ج81، ص 242.
3- [3] .بحارالانوار؛ ج81، ص 249.

[گاه] بنده نماز می خواند، اما یک ششم و یک دهم آن هم برایش نوشته نمی شود؛ تنها آن مقدار از نماز بنده به حساب می آید که با توجه همراه باشد.

معنای حضور قلب

"حضور قلب" یعنی انسان بداند مشغول چه کاری است و با توجه کامل آن را انجام دهد؛ یعنی فقط به کاری که انجام می دهد، توجه داشته باشد و نسبت به امور دیگر، بی توجه باشد. گفتنی است در روایات تعبیر "یعلم ما یقول فیهما": بداند درنماز چه می گوید و تعبیر "لم یحدث فیهما بشی من امور الدنیا": به کاری از امور دنیا در نمازش فکر نکند، وارد شده است.

چند تذکر

در حضور قلب، حتی موقع انجام یک بخش نباید ذهن نمازگزار متوجه بخش های دیگر باشد؛ مثلاً موقع قرائت، نباید به رکوع فکرکند.

اینکه گفته می شود: برای حضور قلب، به معانی نماز توجه کنید، یعنی الفاظ را به قصد و با ارادهٔ جدی بگویید، نه اینکه یک بار عربی را بخوانید و در ذهن ترجمه را هم مرورکنید(یکی از بزرگان به کسی که گفته بود در نماز به معانی آن فکر می کنم، فرموده بودند: پس کی نماز می خوانی !).مثلاً بخش اول سورهٔ مبارکه حمد را واقعاً به قصد ستایش خداوند متعال به زبان جاری کند و در بخش دوم، حقیقتاً از خداوند درخواست هدایت نماید و

ص:53

نگرانی خود را از مورد غضب خدا واقع شدن و گمراه گشتن ابراز نماید. و در تشهد، واقعاً به وحدانیت خدا و رسالت و بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی دهد.

نماز، از اذکار و افعالی تشکیل شده است که هر دو، معنا دار هستند. معنی دار بودن الفاظ، روشن است. ولی برای فهم معنا دار بدون افعال نماز، توجه به "اسرارالصلاه" و مطالعه کتاب هایی در این زمینه لازم است.

راههای تحصیل حضور قلب

باید توجه داشت که کسب حضور قلب مانند کسب یک مهارت، نیاز به تلاش دارد نه اینکه با ذکر و وردی انجام شود؛ و توقع حصول دفعی آن در هر شرایطی دور از واقعیت است. در ادامه به برخی از راه های تحصیل حضور قلب، اشاره می کنیم:

الف. مهم ترین راه درخواست از خداوند متعال است. "ربّ اجْعلنی مقیم الصلوه": ای پروردگار من، مرا برپا دارندۀ نماز گردان.

ب. افزایش معرفت: فهم اهمیت نماز و توجه به آنچه در باب اهمیت نماز گفته شد، می تواند موجب حضور قلب بیشتر شود؛ چون کاری که برای انسان مهم باشد، انسان آن را با توجه بیشتر انجام می دهد، بلکه در هنگام کارهای دیگر هم حواسش به آن است؛ بنابراین اگر اهمیت نماز روشن شود، انسان در موقع کارهای دیگر هم، متوجه نماز خواهد بود: "خوشا آنان که دائم در نمازند!". شاهدش همان است که در نماز، کارهایی که برای ما مهم است، حواسمان را پرت می کند و ما را به خود مشغول می کند.

ص:54

ج. ترک گناه: گناه کردن، ترک نمودن سیر بندگی است. بنابراین کسی که از گناه پرهیز کند، همیشه در سیر بندگی در حرکت است. در نتیجه، نماز هم ادامه سیر معمولی او خواهد بود و برای ورود به آن، نیاز به زحمت چندانی ندارد.

د. برطرف کردن موجبات حواس پرتی، مثل بی نظمی اگر کارهای انسان منظم باشد، موقع نماز می داند که فعلاً تنها کارش نماز است. ولی وقتی نامنظم باشد، اگر روحانی است، موقع نماز به فکر تهیه مطلب برای منبر خویش است، و اگر خانه دار است، به فکر تهیه غذا و نوع آن و ... است، و اگر دانش آموز است، فکر تکلیف و امتحان را می کند. یعنی بی نظمی انسان، راه را برای ورود شیطان باز می کند.

رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا اشْتَغَلَ بِالصَّلَاهِ جَاءَهُ الشَّیْطَانُ وَ قَالَ لَهُ اذْکُرْ کَذَا اذْکُرْ کَذَا حَتَّی یُضِلَّ الرَّجُلَ أَنْ یَدْرِیَ کَمْ صَلَّی. (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرگاه بنده مشغول نماز شود، شیطان نزد او می آید و به وی می گوید: فلان چیز را به خاطر بیاور، بَهمان چیز را به یاد بیاور، تا جایی که فرد یادش می رود چند رکعت خوانده است.

از دیگر موجبات حواس پرتی، صحبت کردن با دیگران، مشاهده تلویزیون، خواندن اخبار و نظیر اینها چند لحظه قبل از نماز است؛ چون اگر نفس آدمی تا قبل از گفتن تکبیرهالاحرام مشغول این امور باشد، مشکل می تواند هنگام نماز متوجه خدا گردد.

1- [1] .علامه مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج81،ص 259.

ه. مراقبت مستمر در شبانه روز؛ یعنی مراقب باشیم کارهایی را که ممکن است مشغولیت فکری برایمان درست کند، انجام ندهیم، و به طور کلی از امور بیهوده و لغو رو ی گردان باشیم و آیات آغازین سوره مبارکه مؤمنون را از یاد نبریم که خداوند متعال فرموده است: "قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلواتهم خاشعون و الذین هم عن اللّغو معرضون". مشاهده بسیاری از برنامه های تلویزیون می تواند از نمونه های امور بیهوده و لغو شمرده شود.

و. مقدمات نماز مانند وضو را با توجه انجام دادن.

ز. توسل همیشگی و هنگام شروع نماز به امام زمان علیه السلام : "بکم تُقبَل الطاعه المفترضه".

ح. انصراف قلب از غیر خدا به مجرد التفات؛ یعنی پرهیز از انصراف اختیاری. در مواردی که ذهن به صورت ناخودآگاه متوجه مطلبی می شود و به فکر و اندیشه در مورد آن مشغول می شود، به مجرد توجه و التفات، انسان اندیشه مذبور را قطع کند و به نماز برگردد.(1)

4. نماز اول وقت

یکی دیگر از راه کارهای کمال بخشی به نماز، اقامه آن در اول وقت است.

1- [1] .نقل است شخصی همیشه در عالم رؤیا، مسابقات فوتبال را در خواب می دید، نزد بزرگی آمد و چاره طلب نمود. آن بزرگ گفت: موقع خواب فلان ذکر را بگو تا از دیدن اینگونه خواب ها در امان بمانی. شخص مزبور پاسخ داد: آخِر امشب فینال است، نمی توانم از آن چشم پوشی کنم !! . در حال نماز، نماز گزار نباید به این فکر باشد که مطالب غیر نماز را به سرانجام برساند.

"فویلٌ للمصلّین الذین هم عن صلوتهم ساهون":(1) پس وای بر نمازگزاران که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند.

عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام فِی حَدِیثِ الْأَرْبَعِمِائَهِ قَالَ لَیْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الصَّلَاهِ فَلَا یَشْغَلَنَّکُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَیْ ءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْیَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذَمَّ أَقْوَاماً فَقَالَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ یَعْنِی أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.(2)

امام علی علیه السلام : هیچ کاری نزد خداوند عز و جل محبوبتر از نماز نیست. پس مبادا چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز باز دارد؛ زیرا خداوند عز و جل مردمانی را نکوهیده و فرموده است: "آنان که از نمازشان غافلند"؛ یعنی از اوقات نماز غافل اند و به آن اهمّیتی نمی دهند.

وعَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَی الْآخِرِ کَفَضْلِ الْآخِرَهِ عَلَی الدُّنْیَا(3).

امام صادق علیه السلام فرمودند: فضیلت اول وقت [نماز] بر آخر وقت، همچون فضیلت آخرت بر دنیاست.

وَ قَالَ علیه السلام أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَ آخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَ الْعَفْوُ لَا یَکُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْب.(4)

همچنین حضرت علیه السلام فرمودند: اول وقت [مایه] خشنودی خداست و آخر وقت [باعث] آمرزش خدا. یعنی آن که نمازش را به تأخیر انداخته است، تاثیر نمازش را کم کرده است.

1- [1] . ماعون: 4-5.
2- [2] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج4، ص113.
3- [3] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص274.
4- [4] . شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج1، ص217.

5. توجه به معانی و اسرار نماز و رعایت آداب آن

از دیگر عواملی که موجب می شود انسان نمازش را کامل تر به جا آورد، توجه به اسرار نماز است.

همه عبادات و از جمله نماز، دارای اسراری هستند که به بعضی از آنها در کتاب های آداب الصلاه و اسرار الصلاه اشاره شده و بیان آنها از توان و حوصلهٔ این نوشته خارج است. مثلا در فلسفه وضو چنین آمده است: "إنما الوضوء حد من حدود اللّه لیعلم اللّه من یطیعه و من یعصیه".

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَاa قَالَ: إِنَّمَا أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَ بُدِئَ بِهِ لِأَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِراً إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعاً لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيّاً مِنَ الْأَدْنَاسِ وَ النَّجَاسَهِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النُّعَاسِ وَ تَزْكِيَهِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ... .(1)

فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام چنین نقل می کند: همانا به وضو امر شده برای اینکه بنده وقتی در مقابل پروردگار جبّار به مناجات می ایستد طاهر و پاکیزه باشد، مضافاً بر اینکه امر و فرمان او را که به منظور بر حذر ماندن از ناپاکی ها و نجاسات صادر شده، اطاعت کند. علاوه بر آن بدین وسیله کسالت و چرت از او برطرف گشته، قلب از ناپاکی ها تزکیه می گردد و [در نتیجه] بنده با طهارت جسم و قلب در مقابل پروردگار جبّار می ایستد [و با او مناجات می کند].

توجه به دعاهای وارده هنگام وضو هم می تواند ما را به فلسفهٔ اجزای وضو رهنمون شود:

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج1، ص367.

الف) انسان موقع دیدن آب، متوجه این نعمت عظیم و پاک کننده بودنِ آن می شود؛

ب) و در هنگام مضمضه "اللهم لقّنی حجّتی" می گوید و صحنه قیامت را ترسیم می کند؛

ج) و هنگام استنشاق، به یاد بهشت و جهنم می افتد و "اللهم لاتُحَرِّم علیّ ریح الجنّه" می گوید؛

د) و در هنگام شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها، صحنه های دیگرِ قیامت را ترسیم می کند... .(1)

ص:59

1- [1] . شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج1، ص41. قَالَ الصَّادِقُ 4 بَیْنَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ 4 ذَاتَ یَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِیَّهِ إِذْ قَالَ لَهُ یَا مُحَمَّدُ ائْتِنِی بِإِنَاءٍ مِنْ مَاءٍ أَتَوَضَّأْ لِلصَّلَاهِ فَأَتَاهُ مُحَمَّدٌ بِالْمَاءِ فَأَکْفَأَ بِیَدِهِ الْیُمْنَی عَلَی یَدِهِ الْیُسْرَی ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَ لَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً قَالَ ثُمَّ اسْتَنْجَی فَقَالَ اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِی وَ أَعِفَّهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ حَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ قَالَ ثُمَّ تَمَضْمَضَ فَقَالَ اللَّهُمَّ لَقِّنِّی حُجَّتِی یَوْمَ أَلْقَاکَ وَ أَطْلِقْ لِسَانِی بِذِکْرِکَ وَ شُکْرِکَ ثُمَّ اسْتَنْشَقَ فَقَالَ اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَیَّ رِیحَ الْجَنَّهِ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ یَشَمُّ رِیحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طِیبَهَا قَالَ ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَوْمَ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهِی یَوْمَ تَبْیَضُّ فِیهِ الْوُجُوهُ ثُمَّ غَسَلَ یَدَهُ الْیُمْنَی فَقَالَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِی کِتَابِی بِیَمِینِی وَ الْخُلْدَ فِی الْجِنَانِ بِیَسَارِی وَ حَاسِبْنِی حِسَاباً یَسِیراً ثُمَّ غَسَلَ یَدَهُ الْیُسْرَی فَقَالَ اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِی کِتَابِی بِیَسَارِی وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَهً إِلَی عُنُقِی وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّی مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّیرَانِ ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ غَشِّنِی بِرَحْمَتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ عَفْوِکَ ثُمَّ مَسَحَ رِجْلَیْهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِی عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْیِی فِیمَا یُرْضِیکَ عَنِّی یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَنَظَرَ إِلَی مُحَمَّدٍ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ مَنْ تَوَضَّأَ مِثْلَ وُضُوئِی وَ قَالَ مِثْلَ قَوْلِی خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی مِنْ کُلِّ قَطْرَهٍ مَلَکاً یُقَدِّسُهُ وَ یُسَبِّحُهُ وَ یُکَبِّرُهُ فَیَکْتُبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثَوَابَ ذَلِکَ لَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ .

6. اهتمام به نماز جماعت

نماز جماعت یکی از کامل ترین شکل های نماز است. نماز گزار با حضور در مسجد و اهتمام به نماز جماعت می تواند نمازش را به درجه ای از کمال برساند که نماز فرادای در خانه در مقایسه با آن اصلاً نماز به حساب نیاید. در این میان آگاهی از اهمیت نماز جماعت بسیار راه گشا باشد.

اهمیت نماز جماعت

حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَهَ وَ الْفُضَيْلِ قَالَا قُلْنَا لَهُ الصَّلَوَاتُ فِى جَمَاعَهٍ فَرِيضَهٌ هِیَ فَقَالَ الصَّلَوَاتُ فَرِيضَهٌ وَ لَيْسَ الِاجْتِمَاعُ بِمَفْرُوضٍ فِى الصَّلَاهِ كُلِّهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّهٌ وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَهً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّهٍ فَلَا صَلَاهَ لَهُ.(1)

زراره و فضیل که از شخصیت های بسیار نزدیک به امام صادق علیه السلام هستند، می گویند: به حضرت عرضه داشتیم که آیا نماز را به جماعت گزاردن واجب است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اصل نماز واجب است ولی به جماعت گزاردنش واجب نیست؛ ولیکن مستحب است و چنان این مستحب مورد تأکید است که اگر کسی از روی بی اعتنایی به جماعت و اجتماع مؤمنان و بدون عذر آن را ترک کند، گویی اصلاً نماز نخوانده است.

(اینکه شبهه وجوبِ جماعت برای شخصیت هایی چون زراره فضیل مطرح بوده، حاکی از کمال اهمیت جماعت است).

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام : قَالَ ... وَ فَضْلُ صَلَاهِ الْجَمَاعَهِ عَلَى صَلَاهِ الرَّجُلِ فَذّاً (فردا) خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَرَجَهً فِی الْجَنَّه.(2)

1- 1. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص372.
2- [2] . همان.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرموده اند: نماز جماعت در بهشت، بیست و پنج درجه بالاتر از نماز فرادا است.

قَالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه و آلِه: وَ مَنْ مَشَی إِلَی مَسْجِدٍ یَطْلُبُ فِیهِ الْجَمَاعَةَ کَانَ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ یُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِکَ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَی ذَلِکَ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یَعُودُونَهُ فِی قَبْرِهِ وَ یُبَشِّرُونَهُ وَ یُؤْنِسُونَهُ فِی وَحْدَتِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّی یُبْعَث.(1)

پیامبر خدا علیه السلام فرموند: هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که برمی دارد، هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا می رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته می گمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.

چند نکته درباره نماز جماعت

1. همسایه مسجد و کسی که صدای اذان را می شنود، باید نسبت به نماز جماعت عنایت بیشتری داشته باشد؛

2. اهتمام به جماعت، در نماز صبح و مغرب و عشاء بیشتر مورد توصیه است؛ مستحب مؤکد است؛

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج8، ص287.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام مَنْ صَلَّی الْغَدَاةَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِی جَمَاعَهٍ فَهُوَ فِی ذِمَّهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا یَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا یُحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَل(1): کسی که نماز صبح و نماز عشا را به جماعت بگزارد، در پناه خدای عز و جل خواهد بود و اگر کسی به او ستم نماید، به خدا ستم نموده است و هر کس او را کوچک بشمارد، خدای عز و جل را کوچک شمرده اس؛

قَالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه و آله: فَمَنْ صَلَّی الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ صَلَاةَ الْغَدَاهِ فِی الْمَسْجِدِ فِی جَمَاعَهٍ فَکَأَنَّمَا أَحْیَا اللَّیْلَ کُلَّه.(2)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت به جای آوَرَد، مثل این است که تمام شب را به عبادت گزرانده باشد.

3. در نماز جماعت، نزدیک به امام ایستادن، در صف اول ایستادن و در سمت راست صفوف ایستادن، مورد توصیه است؛

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قال: وَ أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوَّلُهَا وَ أَفْضَلُ أَوَّلِهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ.(3)

جابر از امام بار علیه السلام نقل کرده که فرمودند: صف های نخست جماعت از بقیه صفوف برترند و در صف های نخست، هرچه مأموم به امام نزدیکتر باشد از فضیلت بیشتری برخوردار است.

ص:62

1- [1] . همان، ص295.
2- [2] . علامه مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج66، ص369.
3- [3] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص372.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام : إِنَّ الصَّلَاهَ فِی الصَّفِّ الْأَوَّلِ کَالْجِهَادِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَل.(1)

نماز در اول وقت قطعاً همچون جهاد در راه خدای عز و جل است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَنْ حَافَظَ عَلَی الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَ التَّکْبِیرَهِ الْأُولَی لَا یُؤْذِی مُسْلِماً أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا یُعْطَی الْمُؤَذِّنُونَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ.(2)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنکه پیوسته در صف اول می ایستد و از آغار نماز و هنگام تکبیره الاحرام با جماعت همراه می شود، بدون آنکه به مسلمانی آسیب برساند، خداوند پاداش اذان گویان در دنیا و آخرت را به او عطا فرماید.

عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ فَضْلُ مَیَامِنِ الصُّفُوفِ عَلَی مَیَاسِرِهَا کَفَضْلِ الْجَمَاعَهِ عَلَی صَلَاهِ الْفَرْدِ.(3)

سهل بن زیاد از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: برتری طرف راست صفوف بر طرف چپ آنها همچون برتری نماز جماعت بر فرادا است.

4. در نماز جماعت خوب است کسانی که شایستگی امامت دارند، درصف اول نزدیک امام بایستند.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام : قَالَ قَالَ لِیَکُنِ الَّذِینَ یَلُونَ الْإِمَامَ أُولِی الْأَحْلَامِ مِنْکُمْ وَ النُّهَی فَإِنْ نَسِیَ الْإِمَامُ أَوْ تَعَایَا قَوَّمُوهُ.(4)

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج8، ص307.
2- [2] . همان.
3- [3] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص373.
4- [4] . همان، ص372.قوله علیه السلام : تعایا می العی و هو العجز و عدم الاهتداء لوجه المراد او منه بمعنی الجهل و عدم البیان و قال مخقق الشعرانی فی هامش الوافی: قوله تعایا قوّموه ای: اذا لم یستطع او منی

بعض کلمات القرآن فی القرائه ذکّروه.(راجع الی الکافی-دارالحدیث-ج6 ث322).

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند: در کنار امام جماعت و نزدیک به او باید انسان های بالغ و برخوردار از عقل و درایت بایستند که اگر امام جماعت دچار نسیان و اشتباه شد او را متذکر سازند.

7. اهتمام به تعقیبات

از دیگر مواردی که در کامل کردن نماز، نقش بسزایی دارد، خواندن تعقیبات است.

تعقیب چیست؟

در تعریف تعقیب آمده است: و هو الاشتغال عقیب الصلاه بالدعاء أو الذکر أو التلاوه أو غیرها من الأفعال الحسنه مثل التفکر فی عظمه اللّه و نحوه و مثل البکاء لخشیه اللّه أو للرغبه إلیه و غیر ذلک و هو من السنن الأکیده و منافعه فی الدین و الدنیا کثیره(1) : (تعقیب عبارت است از اینکه نمازگزار) پس از ادای نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اموری از این قبیل همچون تفکر در عظمت خداوند، گریه از ترس او به خاطر اشتیاق به او، بپردازد. و تعقیب از مستحبات مؤکد است و منافع و آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد.

اهمیت تعقیب

همانگونه که گفته شد انجام تعقیبات یکی از مستحباتی است که تأکید فراوانی بر آن شده است و دارای بهره های دنیوی و اخروی فراوانی است.

1- 1. سید محمدکاظم یزدی؛ العروه الوثقی؛ ج 1، ص703.

عَنْ مَسْعَدَهَ بْنِ صَدَقَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ أَبِی یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَ إِلی رَبِّکَ فَارْغَبْ، إِذَا قَضَیْتَ الصَّلَاهَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ فَانْصَبْ فِی الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْغَبْ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ یَتَقَبَّلَهَا مِنْکَ. (1)

مسعده بن صدقه از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمودند: پدرم درباره آیات "فإذا فرغت فانصب و إلی ربک فارغب"، می فرمود: هنگامی که نماز را به جا آوردی و از انجام آن فارغ شدی پس از نماز سلام، با همان حال نشسته خود را به دعا کردن درباره امور دنیا و آخرت مشغول ساز(و به زحمت انداز)و چون از دعا فارغ شدی به سوی خداوند عزوجل توجه کن که نمازت را قبول کند.

رَوَی شَیْخُ الطَّائِفَهِ فِی التَّهْذِیبِ بِسَنَدٍ صَحِیحٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ التَّعْقِیبُ أَبْلَغُ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِی الْبِلَاد. (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اثر تعقیب در طلب نمودن و به دست آوردن روزی، از مسافرت کردن در شهره ها بیشتر است.

عن ابی عبداللّه علیه السلام : إن اللّه فرض الصلوات فی أحبّ الأوقات، فاسألوا حوائجکم عقیب فرائضکم.

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج6، ص429.
2- [2] . سید بن طاووس؛ مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله من الواجبات و المستحبات؛ ص64.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: خداوند نمازها را در بهترین زمان های شبانه روز بر شما واجب نموده است. پس(از فرصت استفاده کنید) و نیازهای خود را پس از نمازهای واجب از خداوند درخواست نمایید.

و قال صلی الله علیه و آله: من أدّی لله مکتوبهً، فله فی اثرها دعوه مستجابه.(1)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نماز واجبی را برای خدا به جای آورد، پس از آن دعای مستجابی خواهد داشت.

(2)

1. تعقیب، بعد از نمازهای مستحب هم مستحب است، و اگرچه بر استحباب آن بعد از نمازهای واجب بیشتر تأکید شده است.

2. تعقیب باید عرفاً متصل به نماز باشد. البته صدق "اتصال" به حسب مقامات مثل سفر و حضر و اضطرار و اختیار مختلف است؛ بنابراین در سفر و در حال اضطرار ممکن است اتصال، بر حالت سواره و پیاده هم صادق باشد.

1- [1] .شیخ حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج6، ص431.
2- [2] . سید محمد کاظم یزدی؛ العروه الوثقی؛ ج 1، ص703 (الظاهر استحبابه بعد النوافل أیضا و إن کان بعد الفرائض آکد و یعتبر أن یکون متصلا بالفراغ منها غیر مشتغل بفعل آخر ینافی صدقه الذی یختلف بحسب المقامات من السفر و الحضر و الاضطرار و الاختیار ففی السفر یمکن صدقه حال الرکوب أو المشی أیضا کحال الاضطرار و المدار علی بقاء الصدق و الهیئه فی نظر المتشرعه و القدر المتیقن فی الحضر الجلوس مشتغلا بما ذکر من الدعاء و نحوه و الظاهر عدم صدقه علی الجلوس بلا دعاء أو الدعاء بلا جلوس إلا فی مثل ما مر و الأولی فیه الاستقبال و الطهاره و الکون فی المصلی و لا یعتبر فیه کون الأذکار و الدعاء بالعربیه و إن کان هو الأفضل کما أن الأفضل الأذکار و الأدعیه المأثوره المذکوره فی کتب العلماء) .

3. ظاهراً تعقیب بر "نشستن بعد از نماز بدون دعا خواندن" یا "دعا کردن بدون نشستن در غیر حال سفر و اضطرار"صادق نیست.

4. بهتر است انسان در حال تعقیب هم، رو به قبله و با طهارت باشد و ذکرها و دعاها را به عربی بگوید و دعاهای وارده را بخواند.

نمونه ای از تعقیبات وارده

1. نمازگزار بعد از سلام نماز، سه بار تکبیر بگوید و دست هایش را همچون تکبیرهای دیگر بالا بیاورد.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام لِأَیِّ عِلَّهٍ یُکَبِّرُ الْمُصَلِّی بَعْدَ التَّسْلِیمِ ثَلَاثاً یَرْفَعُ بِهَا یَدَیْهِ فَقَال لِأَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله لَمَّا فَتَحَ مَکَّهَ صَلَّی بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ یَدَیْهِ وَ کَبَّرَ ثَلَاثاً وَ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّشَیْ ءٍ قَدِیرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَی أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدَعُوا هَذَا التَّکْبِیرَ وَ هَذَا الْقَوْلَ فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ مَکْتُوبَهٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِکَ بَعْدَ التَّسْلِیمِ وَ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ کَانَ قَدْ أَدَّی مَا یَجِبُ عَلَیْهِ مِن شُکْرِ اللَّهِ تَعَالَی عَلَی تَقْوِیَه الْإِسْلَامِ وَ جُنْدِهِ. (1)

مفضل بن عمرگوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا نمازگزار پس از سلام نماز دستها را بالا می برد و سه مرتبه الله اکبر می گوید؟ حضرت در جواب فرمودند: چون پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه نماز ظهر را در کنار حجرالاسود با همراهی اصحاب به جا آوردند و پس از سلام نماز دستها را

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ج6، ص452.

بالا آورده سه مرتبه تکبیر گفتند و دعای "لا إلهَ إلَّا الله" تا آخر را خواندند، سپس رو به اصحاب نموده و فرمودند: مبادا پس از هر نماز واجب این تکبیر و دعا را ترک کنید، چرا که هر که پس از نماز به این تکبیر و دعا ملتزم باشد آنچه را که بر او واجب است یعنی شکرگزاری از خداوند به خاطر تقویت اسلام و لشکر اسلام، را به جا آورده است.

2. تسبیح حضرت زهرا h افضل تعقیبات است.

عَنْ زُرَارَه بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَتَ تسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سلام الله علیهامِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِى قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْراً كَثِيراً.(1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها از جمله همان ذکر کثیر است که خداوند عز وجل فرموده است : "خدا را بسیار یاد کنید".

عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَال مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْ ءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ سلام الله علیها وَ لَوْ كَانَ شَیْ ءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَاطِمَةَ سلام الله علیها(2) .امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند در مقام ستایش، به چیزی برتر از تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها ستایش نشده است و اگر از این تسبیح چیزی برتر بود پیامبر صلی الله علیه و آله همان رابه فاطمه سلام الله علیها می بخشیدند.

عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْقَمَّطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهa يَقُولُ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ سلام الله علیها فِی كُلِّ يَوْمٍ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْف رَكْعَةٍ فِی كُلِّ يَوْمٍ... .(3)

1- [1] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج2، ص500.
2- [2] . همان، ج3، ص343.
3- [3] . الکافی؛ ج 3، ص343، باب التعقیب بعدالصلاهوالدعاء.

ابا خالد می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: گفتن تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها در هر روز پس از هر نمازی نزد من از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز محبوب تر است.

عَنْ أَبِی هَارُونَ الْمَکْفُوفِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ یَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صِبْیَانَنَا بِتَسْبِیحِ فَاطِمَهَ سلام الله علیهاکَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاهِ فَأَلْزِمْهُ فَإِنَّهُ لَمْ یُلْزِمْهُ عَبْدٌ فشَقِی.(1)

اباهارون می گوید امام صادق علیه السلام خطاب به من فرمودند: ما تسبیح فاطمه سلام الله علیها را همچون نماز به فرزندانمان توصیه می کنیم، پس تو هم حتماً به گفتن آن مقید باش، چرا که هر کس خود را ملزم به این تسبیح کند روی شقاوت را نمی بیند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَال أَبُوجَعْفَر علیه السلام مَنْ سَبَّح تَسْبِیحَ فَاطِمَهَ سلام الله علیهاثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفِرَ لَهُ وَ هِیَ مِائَهٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ فِی الْمِیزَانِ وَ تَطْرُدُ الشَّیْطَانَ وَ تُرْضِی الرَّحْمَن.(2)

امام باقر علیه السلام فرمودند: هرکس تسبیح فاطمه سلام الله علیها را بگوید و پس از آن استغفار کند، بخشیده می شود. تسبیح فاطمه سلام الله علیها در مقام گفتن، صد مرتبه است ولی در میزان عمل، هزار بار به حساب می آید و شیطان را می راند و موجب خوشنودی خداوند رحمان می شود.

فِی مَجْمَعِ الْبَیَانِ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ بَاتَ عَلَی تَسْبِیحِ فَاطِمَهَ سلام الله علیها کَانَ مِنَ الذَّاکِرِینَ اللَّهَ کَثِیراً وَ الذَّاکِرات.(3)

ص:69

1- [1] .شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعه ج6، ص442 ، باب استحباب ملازمه تسبیح الزهراء.
2- [2] .همان.
3- [3] . شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعه ج6، ص442 ، باب استحباب ملازمه تسبیح الزهراء.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر زن و مردی که قبل از خواب، تسبیح فاطمه سلام الله علیها را بگوید، خداوند را بسیار یاد کرده و مشمول آیه شریفه 35 سوره احزاب خواهد بود(یعنی آمرزیده می شود و اجر عظیمی خواهد داشت).

3. گفتن سی یا چهل مرتبه تسبیحات اربعه از مصادیق باقیات صالحات و ذکر کثیر شمرده شده و موجب آمرزش گناهان و موجب استجابت دعا است.(1)

فِی مَجْمَعِ الْبَیَانِ قَالَ رُوِیَ عَنْ أَئِمَّتِنَا 6 أَنَّ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ ثَلَاثِینَ مَرَّةً فَقَدْ ذَکَرَ اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً.(2)

مرحوم طبرسی ره در تفسیر شریف مجمع البیان فرموده است: امامان ما6 فرموده اند: هرکس تسبیحات اربعه را سی بار بگوید قطعاً خداوند را بسیار یاد کرده است [و به آیه "اذکروا الله ذکراً کثیراً"(3) عمل کرده است].

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِیرَهِ النَّضْرِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ أَرْبَعِینَ مَرَّةً فِی دُبُرِ کُلِّ صَلَاهٍ فَرِیضَهٍ قَبْلَ أَنْ یَثْنِیَ رِجْلَیْهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِیَ مَا سَأَلَ.(4)

1- [1] .همان.
2- [2] .همان.
3- [3] . احز اب، 40.
4- [4] .همان ص 455.

حارث بن مغیره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس پس از هر نماز قبل از آنکه پاهایش را برگرداند، چهل بار تسبیحات اربعه بگوید و سپس از خداوند درخواست نماید، آنچه در خواست کرده به او عطا می شود.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ صَلَّی صَلَاةً مَکْتُوبَةً ثُمَّ سَبَّحَ فِی دُبُرِهَا ثَلَاثِینَ مَرَّةً لَمْ یَبْقَ شَیْ ءٌ مِنَ الذُّنُوبِ عَلَی بَدَنِهِ إِلَّا تَنَاثَرَ.(1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس پس از به جا آوردن نماز واجب سی مرتبه تسبیح بگوید، همه گناهانش فرو می ریزد(و آمرزیده می شود).

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ 6 عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَیْتُ فِیهَا قَصْراً مِنْ یَاقُوتٍ أَحْمَرَ یُرَی بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لِضِیَائِهِ وَ نُورِهِ وَ فِیهِ قُبَّتَانِ مِنْ دُرٍّ وَ زَبَرْجَدٍ فَقُلْتُ یَاجَبْرَئِیلُ لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ هُوَ لِمَنْ أَطَابَ الْکَلَامَ وَ أَدَامَ الصِّیَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ تَهَجَّدَ بِاللَّیْلِ وَ النَّاسُ نِیَامٌ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِی أُمَّتِکَ مَنْ یُطِیقُ هَذَا فَقَالَ أَتَدْرِی مَا إِطَابَةُ الْکَلَامِ فَقُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ أَتَدْرِی مَا إِدَامَةُ الصِّیَامِ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ صَامَ شَهْرَ الصَّبْرِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَمْ یُفْطِرْ مِنْهُ یَوْماً أَتَدْرِی مَا إِطْعَامُ الطَّعَامِ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ طَلَبَ لِعِیَالِهِ مَا یَکُفُّ بِهِ وُجُوهَ هُمْ عَنِ النَّاسِ أَتَدْرِی مَا التَّهَجُّدُ بِاللَّیْلِ وَ النَّاسُ نِیَامٌ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ لَمْ یَنَمْ حَتَّی یُصَلِّیَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَالنَّاسُ مِنَ الْیَهُودِ وَالنَّصَارَی وَ غَیْرِهِمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ یَنَامُ بَیْنَهُمَا(2).

1- [1] .همان، ص 454.
2- [2] .علامه مجلسی ره؛ بحارالانوار؛ ج 18، ص 342.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگام عروج به آسمان و در شب معراج وارد بهشت شدم و در بهشت قصری از یاقوت سرخ مشاهده کردم. یاقوت هایی که چنان شفاف و درخشان بود که درون قصر، از بیرون آن دیده می شد و دو گنبد از درّ و زبرجد داشت. به جبرئیل گفتم: این قصر از آنِ کیست؟ گفت: برای کسی که (چهار ویژگی داشته باشد):

- سخنش را پاکیزه کند؛

- پیوسته روزه دار باشد؛

- به دیگران غذا دهد؛

- و در دل شب که مردم خفته اند، به شب زنده داری و عبادت مشغول باشد.

علی علیه السلام می فرماید: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: ای رسول خدا در بین امت شما کسی هست که چنین طاقت و توانی را داشته باشد؟! در پاسخ فرمودند: می دانی منظور از این چهار ویژگی چیست؟ عرض کردم خدا و رسولش داناترند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

منظور از پاکیزه بودن سخن این است که: "سبحان الله والحمد لله و لااله الا الله و الله اکبر" بگوید؛

و منظور از روزه داری پیوسته این است که: ماه رمضان را که ماه صبر و مقاومت است، به صورت کامل روزه بگیرد و حتی یک روز از آن را روزه خواری ننماید؛

ص:72

و منظور از غذا دادن به دیگران این است که: نفقه عیالش را تأمین کند، به گونه ای که ایشان محتاج به دیگران نشوند؛

و منظور از تهجّدِ شبانه این است که: تا زمانی که نماز عشای خود را نخوانده، نخوابد و چون یهود و نصاری و مشرکان نباشد که چنین عبادتی دارند و در این فاصله می خوابند.

خواندن سی مرتبه تسبیحات بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام هر نمازی را که در سفر می گذارد و قصرمی کرد بعد از اتمام نماز سی مرتبه میگفت: "سبحان اللّه و الحمد لله و لا اله الا اللّه و اللّه اکبر" و می فرمود که این متمم نماز قصر است.(1)

4. لعن بر دشمنان دین.

جَمِیلٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا انْحَرَفْتَ عَنْ صَلَاهٍ مَکْتُوبَهٍ فَلَا تَنْحَرِفْ إِلَّا بِانْصِرَافٍ لَعْنِ بَنِی أُمَیَّهَ.(2) امام باقر علیه السلام فرمودند: پس از نماز واجب، قبل از آنکه بنی امیه را لعن کنی از جایت حرکت نکن(و حالت نماز را به هم نزن).

5. خواندن سوره توحید.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید که بعد از هر نماز واجب "قل هو اللّه احد" را ترک نکند. به

1- -[1] . عیون أخبار الرضا علیه السلام ؛ ترجمه آقانجفی؛ ج2، ص425.
2- [2] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج6، ص462.

درستی هر که آن را بخواند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می کند و او و پدر و مادرش و هر که را از پدر و مادرش به هم رسیده، می آمرزد. (1)

و در روایت دیگر، خواندن آن بعد از هر نماز، موجب ریزش رحمت از آسمان بر سرش و نزول سکینه و نظر رحمت افکندن خدا و آمرزش گناهان و برآورده شدن حاجات و در امان خدا بودن دانسته شده است. (2)

6. قرائت حمد، آیه "شهد اللّه"، "آیهالکرسی"، آیه "ملک"، بعد از هر نماز واجب. (3)

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذِهِ الْآیَاتِ أَنْ یَهْبِطْنَ إِلَی الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَ قُلْنَ أَیْ رَبِّ إِلَی أَیْنَ تُهْبِطُنَا إِلَی أَهْلِ الْخَطَایَا وَ الذُّنُوبِ فَأَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیْهِنَّ أَنِ اهْبِطْنَ فَوَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی لَا یَتْلُوکُنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ شِیعَتِهِمْ فِی دُبُرِ مَا افْتَرَضْتُ عَلَیْهِ مِنَ الْمَکْتُوبَهِ فِی کُلِّ یَوْمٍ إِلَّا نَظَرْتُ إِلَیْهِ بِعَیْنِیَ الْمَکْنُونَهِ فِی کُلِّ یَوْمٍ سَبْعِینَ نَظْرَهً أَقْضِی لَهُ فِی کُلِّ نَظْرَهٍ سَبْعِینَ حَاجَهً وَ قَبِلْتُهُ عَلَی مَا فِیهِ مِنَ الْمَعَاصِی وَ هِیَ أُمُّ الْکِتَابِ وَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِکَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ وَ آیَهُ الْکُرْسِیِّ وَ آیَهُ الْمُلْکِ. (4)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی قرار شد آیات زیر نازل شود، این آیات به عرش الهی متوجه شدند و به خداوند چنین عرضه داشتند که: پروردگارا ما را به کجا و به سوی چه کسانی می فرستی؟! به سوی خطاپیشگان و گناهکاران؟! خداوند (به ایشان بشارت داد) و چنین امر کرد کهک فرود ایید

1- [1] .شیخ کلینی؛کافی؛ج2، ص622.
2- [2] .مجلسی ره؛ بحارالانوار؛ ج83، ص60 / در بیان عظمت سوره توحید، پیش از این روایاتی بیان شد.
3- [3] .آیه شهادت:آل عمران/18؛ آیه الکرسی:بقره/255؛ آیه ملک:آل عمران/26.
4- [4] .شیخ کلینی؛ کافی؛ ج2، ص 620.

که به عزت و جلال خود سوگند یاد می کنم که هیچ کس از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شیعییان ایشان شما را پس ا نماز واجب خود تلاوت نخواهد کرد مکر اینکه من با چشم پنهان خود در هر روز هفتاد بار به او مینگرم و در هر نگاه هفتاد حاجت او را براورده می سازم و او را با گناهانش می پذیرم، و آن آیات عبارتند از: سوره مبارکه حمد، آیه "شهادت"، "آیه الکرسی" و "آیه ملک".(1)

7. خواندن دعاهای وارده که هر کدام فضیلت و اثر ویژه ای دارد.

8. به جا آوردن سجده شکر

با وجود آنکه "سجده شکر" خود یکی از تعقیبات است و با بحث کردن از تعقیبات، در واقع از آن هم بحث شده است، ولیکن به دلیل اهمیت آن، و تصریح ائمه معصومDبه اینکه سجده شکر بخشی از نقص نماز را برطرف می کند، بحثی مستقل را به آن اختصاص می دهیم.

معنای سجدهٔ شکر و فلسفهٔ آن

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ السَّجْدَهُ بَعْدَ الْفَرِیضَهِ شُکْراً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرْضِهِ وَ أَدْنَی مَا یُجْزِی فِیهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ یُقَالَ شُکْراً لِلَّهِ شُکْراً لِلَّهِ شُکْراً لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَی قَوْلِهِ شُکْراً لِلَّهِ قَالَ یَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَهُ مِنِّی شُکْراً لِلَّهِ عَلَی مَا

1- [1] . آیه شهادت:آل عمران/18؛ آیه الکرسی:بقره/255؛ آیه ملک:آل عمران/26.

وَفَّقَنِی لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ أَدَاءِ فَرْضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَهِ فَإِنْ كَانَ فِی الصَّلَاهِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهَذِهِ السَّجْدَهِ(1).

امام رضا علیه السلام فرمودند: سجده بعد از هر نماز واجب لازم است تا بنده بتواند به این وسیله از خداوند عز و جل به خاطر توفیقی که به اوداده، سپاسگزاری کند و در آن حداقل سه مرتبه "شکراً لله" بگوید. راوی گوید: به حضرت عرض کردم: "شکراً لله" به چه معنا است و منظور از آن چیست؟ فرمودند: منظور این است که بنده می گوید: خدا را با این سجده، بر توفیق خدمت گزاریش و توفیق به جا آوردن دستورش سپاس می گویم. (سپس حضرت فرمودند): سپاسگزاری و شکر موجب فزونی می شود و اگر درنماز نقصان یا تقصیری باشد که با انجام نافله جبران نشده(نمی شود) با این سجده کامل می شود.

اهمیت و آثار سجده شکر

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَجْدَهُ الشُّکْرِ وَاجِبَهٌ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَکَ وَ تُرْضِی بِهَا رَبَّکَ وَ تَعْجَبُ الْمَلَائِکَهُ مِنْکَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّی ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَهَ الشُّکْرِ فَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی الْحِجَابَ بَیْنَ الْعَبْدِ وَ بَیْنَ الْمَلَائِکَهِ فَیَقُولُ یَا مَلَائِکَتِی انْظُرُوا إِلَی عَبْدِی أَدَّی قُرْبَتِی وَ أَتَمَّ عَهْدِی ثُمَّ سَجَدَ لِی شُکْراً عَلَی مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَیْهِ مَلَائِکَتِی مَا ذَا لَهُ عِنْدِی قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِکَهُ یَا رَبَّنَا رَحْمَتُکَ ثُمَّ یَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی ثُمَّ مَا ذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِکَهُ یَا رَبَّنَا جَنَّتُکَ فَیَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَی ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِکَهُ یَا رَبَّنَا کِفَایَهُ مُهِمِّهِ فَیَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَی ثُمَّ مَا ذَا فَلَا یَبْقَی شَیْ ءٌ مِنَ الْخَیْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِکَهُ فَیَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی یَا مَلَائِکَتِی ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِکَهُ یَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَیَقُولُ اللَّهُ تَعَالَی لَأَشْکُرَنَّهُ

ص:76

1- [1] .شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج7، ص5.

كَمَا شَكَرَنِی وَ أُقْبِلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِی وَ أُرِيهِ رَحْمَتِی وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَ أُرِيهِ وَجْهِی(1).

چون ترجمه روشن است، خلاصه آن آورده می شود: به فرموده امام صادق علیه السلام سجده شکر بر هر مسلمانی لازم است، نماز با آن کامل می شود، خداوند خشنود می گردد، فرشتگان شگفت زده می شوند و هنگام سجده شکر خداوند حجاب بین نماز گزار و فرشتگان را بر می دارد و به بنده اش در نزد فرشتگان مباهات می کند و از فرشتگان می خواهد که پاداش چنین بنده ای را بیان کنند و وقتی فرشتگان، رحمت، جنت و برآورده شدن حاجات بنده را مطرح می کنند، باز هم خداوند طلب فزونی می کند و وقتی همه خوبی ها را مطرح می کنند باز هم بیش از آن مطالبه می کند و وقتی فرشتگان اظهار عجز می کنند، خودش می فرماید: از بنده ام تشکر می کنم همانگونه که از من تشکر کرد و با فضل خود به او رو می آورم و رحمت خود را به او می نمایانم.

ذکر سجده شکر (و استحباب طولانی بودن آن)

حداقل سه مرتبه "شکراً لله" است، ولی هر چه طولانی تر باشد، بهتر است. از حضرت رضا علیه السلام در سجده بعد از نماز، تا پانصد "سبحان اللّه" هم شنیده شده است و مکرر اتفاق افتاده که موسی بن جعفر علیه السلام بعد از نماز به سجده رفته اند و تا بالا آمدن روز همچنان در سجده بوده اند و...(2) .

1- [1] .همان، ص6.
2- [2] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج7، ص10.

عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : لِمَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلاً قَالَ لِکَثْرَهِ سُجُودِهِ عَلَی الْأَرْضِ(1).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه چیز باعث شد که خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کند؟ فرمودند: به خاطر اینکه بسیار بر زمین سجده می کرد.

عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا یَقُولُ: أَقْرَبُ مَا یَکُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ سَاجِدٌ وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ.(2)

از امام رضا علیه السلام شیندم که فرمودند: نزدیک ترین حالت بنده به خداوند عز و جل حالت سجده است و سپس به آیهٔ آخر سورهٔ مبارکه علق استناد کردند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام یَقُولُ: إِذَا نَامَ الْعَبْدُ وَ هُوَ سَاجِدٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی عَبْدِی قَبَضْتُ رُوحَهُ وَ هُوَ فِی طَاعَتِی(3).

وشّاء می گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: هنگامی که بنده ای سجده می کند(و در اثر کثرت عبادت) در حال سجده به خواب می رود، خداوند متعال می فرماید: روح بنده ام را در حال عبادت و بندگی قبض نمودم.

وَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ فِی حَدِیثٍ قَالَ: رَأَیْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام صَلَّی سِتَّ رَکَعَاتٍ أَوْ ثَمَانَ رَکَعَاتٍ قَالَ وَ کَانَ مِقْدَارُ رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ ثَلَاثَ تَسْبِیحَاتٍ أَوْ أَکْثَرَ فَلَمَّا فَرَغَ سَجَدَ سَجْدَهً أَطَالَ فِیهَا حَتَّی بَلَّ

1- [1] .همان.
2- [2] .شیخ کلینی؛ کافی ج3، ص264.
3- [3] .شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج6، ص380.

عَرَقُهُ الْحَصَی قَالَ وَ ذَکَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ أَلْصَقَ خَدَّیْهِ بِأَرْضِ الْمَسْجِدِ(1).

ابن فضال می گوید: حضرت اباالحسن علیه السلام را مشاهده نمودم که شش رکعت یا هشت رکعت نماز خواندند و در رکوع و سجده ای سه مرتبه یا بیشتر تسبیح گفتند ولی پس از نماز سجده ای طولانی نمودند به گونه ای که عرق صورتشان سنگ های مسجد را مرطوب کرد و بعضی از اصحاب گفته اند که حضرت، گونه های مبارک خود را به زمین مسجد چسبانده بودند.

چند نکته از احکام سجدهٔ شکر

1. بهتر است انسان دو مرتبه سجده کند، به این صورت که بعد از سجده اول گونه راست و بعد گونه چپ را به خاک بمالد و مجدداً سر بر خاک گذارد.

عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَال: أوْحَی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَی مُوسَی علیه السلام أَنْ یَا مُوسَی أَتَدْرِی لِمَ اصْطَفَیْتُکَ بِکَلَامِی دُونَ خَلْقِی قَالَ یَا رَبِّ وَ لِمَ ذَاکَ قَالَ فَأَوْحَی اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی إِلَیْهِ أَن یَا مُوسَی إِنِّی قَلَّبْتُ عِبَادِی ظَهْراً لِبَطْنٍ فَلَمْ أَجِدْ فِیهِمْ أَحَدا أَذَلَّ لِی نَفْساً مِنْکَ یَا مُوسَی إِنَّکَ إِذَا صَلَّیْتَ وَضَعْتَ خَدَّکَ عَلَی التُّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَی الْأَرْضِ.(2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود که: می دانی چرا در بین بندگان فقط با تو سخن می گویم؟ بدان جهت که بندگانم را زیر و رو کردم و دیدم هیچکس مثل تو در پیشگاه من ذلّت و

1- [1] .همان، ج7، ص9.
2- [2] . شیخ کلینی؛ کافی؛ ج2، ص121.

افتادگی ندارد. ای موسی! تو چون نماز می گزاری گونه ات را بر خاک(یا بر زمین) می نهی.

2. سجده شکر بعد از فریضه و نافله و بعد از تذکر هر نعمتی، مطلوب است.

عن أبی عبداللّه علیه السلام أنه قال: من سجد سجده الشکر لنعمه و هو متوضأ، کتب اللّه له بها عشر صلوات و محا عنه عشر خطایا عظام: (1) هر کس با وضو باشد و برای نعمتی سجده شکر به جای آورد، خداوند برای او ثواب ده نماز را می نویسد و ده گناه او را [از پرونده اش] محو می کند.

3. آرنج را بر زمین گذاشتن و چسباندن سینه و شکم به زمین، در سجده شکر مستحب است (عکس آنچه درنماز انجام می شود).

4. مستحب است انسان دست بر موضع سجده خود(پیشانی) بمالد و بعد به صورت (و سایر اعضای) خود بکشد.

عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَوْحَی اللَّهُ إِلَی مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام أَ تَدْرِی یَا مُوسَی لِمَ انْتَجَبْتُکَ مِنْ خَلْقِی وَ اصْطَفَیْتُکَ لِکَلَامِی فَقَالَ لَا یَا رَبِّ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ إِنِّی اطَّلَعْتُ إِلَی الْأَرْضِ فَلَمْ أَجِدْ عَلَیْهَا أَشَدَّ تَوَاضُعاً لِی مِنْکَ فَخَرَّ مُوسَی سَاجِداً وَ عَفَّرَ خَدَّیْهِ فِی التُّرَابِ تَذَلُّلًا مِنْهُ لِرَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ ارْفَعْ رَأْسَکَ یَا مُوسَی_ وَ أَمِرَّ یَدَکَ عَلَی مَوْضِعِ سُجُودِکَ وَ امْسَحْ بِهَا وَجْهَکَ وَ مَا نَالَتْهُ مِنْ بَدَنِکَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنْ کُلِّ سُقْمٍ وَ دَاءٍ وَ آفَهٍ وَ عَاهَهٍ. (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود: ای موسی! آیا می دانی چرا از میان آفریدگانم تو را برگزیدم و برای [شنیدن]

1- [1] . شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج7، ص5.
2- [2] . همان، ص14.

سخنم تو را انتخاب کردم؟ عرض کرد: نه، ای پروردگار! خداوند به او وحی فرمود: من به زمین نگریستم و در روی آن کسی را نیافتم که در برابر من متواضع تر از تو باشد. حضرت موسیa با شنیدن این سخن به سجده افتادند و گونه های خود را از روی ذلّت و خواری در پیشگاه خداوند به خاک مالیدند. خدا به ایشان وحی کرد که: سرت را بلند کن موسی5 و دستت را بر جای سجده بکش و با آن صورت و قسمت های مختلف بدنت را لمس کن که امان از هر بیماری، درد و آفت و آسیبی است.

8. اهتمام به نوافل

یکی دیگر از راه های کامل کردن نماز بلکه مهم ترین و مؤثرترین آنها، اهتمام به نوافل است. و این کار حاصل نمی شود مگر آنکه با اهمیت نافله ها بیشتر آشنا شویم.

اهمیت نوافل

امام خمینی ره در تحریرالوسیله می نویسد: یستحبّ قضاء النوافل الرواتب و یکره أکیداً ترکه إذا شغله عنها جمع الدنیا؛ و من عجز عن قضائها، استحبّ له التصدق بقدر طوله؛ و أدنی ذلک التصدق عن کلّ رکعتین بمدّ و إن لم یتمکّن، فعن کلّ اربع رکعات بمد و ان لم یتمکّن فمدّ لصلاه اللیل و مدّ صلاه النهار(1).

عن الفضیل قال: سألت أبا جعفر علیه السلام عن قول اللّه عزّ و جلّ: "الذین هم علی صلاتهم یحافظون"، قال: هی الفریضه. قلت: "الذین هم علی صلواتهم دائمون"، قال: هی

1- [1] .امام خمینی؛ تحریر الوسیله؛ ج1، ص225، مسئله7.

النافله. شاید وجه اینکه کسانی که نوافل را به جا می آورند، "دائم الصلاه" خوانده شده اند، این باشد که نماز نافله متمّم نماز واجب است و کسی که نافله می خواند، هر روز نمازش به طور کامل بالا می رود.

در روایات زیادی، "نوافل" متمّم فریضه تلقی شده و گفته شده که خداوند نقصان نماز واجب را با نافله جبران می کند.

عن أبی بصیر عن أبی عبداللّه علیه السلام فی حدیث قال: یا أبا محمد! إن العبد یرفع له ثلث صلاته و نصفها و ثلاثه ارباعها و اقلّ و اکثر علی قدر سهوه فیها، لکنّه یتمّ له من النوافل. قال: فقال له ابوبصیر: ما أری النوافل ینبغی أن تترک علی حاله. فقال علیه السلام : اجل، لا(1).

کل سهو فی الصلوه یطرح منها غیر أنّ اللّه یتمّ بالنوافل(2): سهو در نماز موجب از بین رفتن بخشی از آن می شود. البته خداوند این نواقص را با نافله جبران می کند. در اینجا باید گفت: اگر قبولی نمازهای واجب به طور کامل منوط به نافله است و اگر پذیرش همه اعمال منوط به پذیرفته شدن نماز است، پس چرا سهل انگاری در نافله؟

گفتنی است در روایات بسیاری(3)، قضای نوافل، مطلوب و مورد سفارش واقع شده است. یکی از آن روایات را ذکر می کنیم.

و عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إن العبد یقوم فیصلّی النافله فیعجب الربّ ملائکته منه فیقول: یا ملائکتی! عبدی یقضی ما لم افترض علیه(4).

1- [1] .شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص 363.
2- [2] .همان، ص268.
3- [3] .شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج4، ص75، باب18.
4- [4] .شیخ کلینی؛ کافی؛ ج3، ص488.

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی بنده ای مشغول نماز نافله می شود، خداوند در پیشگاه ملائکه، اظهار شگفتی و مباحات می کند و می گوید: بنده ام مشغول کاری است که بر او واجب نکرده ام.

ص:83

موانع قبولی نماز

ص:84

برای تحقق نمازی که مورد پذیرش خداوند متعال و تأمین کننده سعادت باشد، باید موانع قبول نماز را هم برطرف کرد. چرا که ممکن است انسان زحمت زیادی متحمّل شود و عبادت را به خوبی انجام دهد ولیکن به علت عدم مراقبت از آن، به مطلوب نرسد و همه زحماتش هَدَر رود؛ بنابراین همانگونه که دقت در انجام عمل مهم است، مراقبت های بعدی هم لازم است که در ادامه به بیان بعضی از موانع قبولی نماز می پردازیم.

برخی از موانع قبولی نماز

1. نداشتن حضور قلب (که بحث از آن گذشت).

2. عاق والدین و ناراحت کردن ایشان

قال ابو عبد اللّه علیه السلام : من نظر إلی ابویه نظرَ ماقتٍ و هما ظالمان له، لم یقبل اللّه له صلوهً(1).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که به پدر و مادر خود، گرچه به وی ستم کرده باشند، با نگاه دشمنانه بنگرد، خداوند از او نمازی را نمی پذیرد.

1- [1] .شیخ کلینی؛ کافی؛ ج2، ص349.

قال ابوعبداللّه علیه السلام : من العقوق أن ینظر الرجل إلی والدیه فیحد النظر إلیهما(1).

امام صادق علیه السلام فرمودند : و از جمله نافرمانی از والدین، آن است که انسان به آنان خیره نگاه کند.

قال ابوجعفر علیه السلام : إن أبی نظر إلی رجل و معه ابنه یمشی و الابن متکئ علی ذراع الأب. قال علیه السلام : فماکلّمه أبی علیه السلام مقتا له حتی فارق الدنیا(2).

امام باقر علیه السلام فرمودند: پدرم مردی را دید که با پسرش راه می رفت و پسر به دست پدرش تکیه داده بود. پدرم علیه السلام از آن پسر چندان ناراحت شد که تا زنده بود با او سخن نگفت.

3. غیبت

من اغتاب مسلماً أو مسلمه، لم یقبل اللّه صلاته و لا صیامه اربعین یوماً و لیله إلا اَن یغفر له صاحبه(3).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که از مردی مسلمان یا زنی مسلمان غیبت کند، خداوند متعال تا چهل شبانه روز، نه نماز او را می پذیرد و نه روزه اش را، مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد.

معنای غیبت:

قال ابوا عبدالله علیه السلام : الغیبه أن تقول فی أخیک ما هو فیه ممّا قدستره اللّه علیه. فأما إذا قلت ما لیس فیه، فذلک قول اللّه: فقد احتمل بهتاناً و اثما مبیناً(4).

ص:86

1- [1] .همان، ص349، باب العقوق.
2- [2] .همان؛ص348.
3- [3] .مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج72 ص258.
4- [4] .همان؛ ص220. پایان روایت به آیه 112 سوره مبارکه نساء اشاره نموده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: غیبت آن است که درباره برادرت چیزی بگویی که در او هست، اما خداوند آن را پوشانده است؛ اما اگر چیزی بگویی که در او نیست، این مشمول این سخن خداوند است که : "هر آینه بهتان یا گناهی آشکار به دوش کشید".

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: غیبت آن است که از برادرت چیزی بگویی که خوش ندارد.

شنیدن غیبت:

امام علی علیه السلام فرمودند: "السامع للغیبه کالمغتاب": شنونده غیبت، مانند غیبت کننده است.

نظر امیرالمؤمنین علیه السلام إلی رجل یغتاب رجلاً عند الحسن ابنه فقال: یا بنیّ نَزِّه سمعَک عن مثل هذا؛ فإنه نظر إلی أخبث ما فی وعائه فأفرغه فی وعائک(1).

امام علی علیه السلام وقتی ملاحظه کرد که شخصی در حضور فرزند بزرگوارش حسن علیه السلام از کسی غیبت می کند فرمود : فرزندم! گوش خود را از چنین کسی به دور دار؛ زیرا او به پلید ترین چیزهایی که در ظرف خود دارد نگریسته و آنها را در ظرف تو خالی کرده است.

اثر غیبت:

قال رسو الله صلی الله علیه و آله: الغیبه اسرع فی دین الرجل المسلم من الأکله فی جوفه(2).

1- [1] .همان، ص259.
2- [2] .کلینی؛ کافی؛ ج2، ص357.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: غیبت کردن در [نابودی] دین مرد، زودتر کارگر می افتد تا بیماری خوره در اندرون او.

یؤتی بأحد یوم القیامه بین یدی اللّه و یدفع إلیه کتابه فلایری حسناته فیقول: إلهی! لیس هذا کتابی! فإنی لاأری فیها طاعتی! فیقال له: إن ربّک لایضلّ و لاینسی، ذهب عملک باغتیاب الناس، ثمّ یؤتی بآخر و یدفع إلیه کتابه فیری فیها طاعاتٍ کثیرةً فیقول: إلهی! ما هذا کتابی؟ فإنّی ماعملتُ هذه الطاعات! فیقال له: لأنّ فلاناً اغتابک فدفعت حسناته إلیک(1).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: روز قیامت فردی را می آورند و او را در پیشگاه خدا نگه می دارند و کار نامه اش را به او می دهند، اما حسنات خود را در آن نمی بیند. عرض می کند : الهی! این کار نامه من نیست! زیرا من در آن طاعات خود را نمی بینم! به او گفته می شود : پروردگار تو نه خطا می کند و نه فراموش. عمل تو به سبب غیبت کردن از مردم بر باد رفت. سپس مرد دیگری را می آورند و کار نامه اش را به او می دهند. در آن طاعت بسیاری را مشاهده می کند. عرض می کند: الهی! این کار نامه من نیست! زیرا من این طاعات را به جا نیاورده ام! گفته می شود: فلانی از تو غیبت کرد و من حسنات او را به تو دادم.

امام علی علیه السلام فرمودند: إیاک و الغیبه؛ فإنها تُمقّتک إلی اللّه و الناس و تحبط أجرک(2): از غیبت کردن بپرهیز؛ که این کار، تو را نزد خدا و مردم مبغوض می سازد و پاداشت را بر باد می دهد.

1- [1] .مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج81، ص242.
2- [2] .آمری؛ تصنیف غررالحکم؛ ص21.

4. بی توجهی نسبت به محرومان

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز کسانی که نسبت به آوارگان و برهنگان جامعه بی توجه اند، قبول نیست(1).

5. حرام خواری

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:الصلوه مع أكل الحرام كالبناء على الرمل(2).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: عبادتِ توأم با حرام خواری، چون ساختمانی است بر روی شن.

6. بد خواهی برای مسلمانان

ابوعبداللّه علیه السلام : لایقبل اللّه من مؤمن عملاً و هو مضمر علی اخیه سوءً(3).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمن خود نیّت بد داشته باشد، هیچ عملی را نمی پذیرد.

7. قطع رابطه با برادر دینی.

قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله: یا اباذر! إیاک و هجران اخیک، فإنّ العمل لایتقبّل مع الهجران(4).

1- [1] .مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج84، ص 242.
2- [2] .همان؛ ص258.
3- [3] .کلینی؛ کافی؛ ج2، ص361.
4- [4] .رضی الدین طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص470.

8. اذیت کردن همسر (مرد یا زن)

منْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَهٌ تُؤْذِیهِ لَمْ یَقْبَلِ اللّه صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَهً مِنْ عَمَلِهَا _ حَتَّی تُعِینَهُ وَ تُرْضِیَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ_ وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ یَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله_ وَ عَلَی الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِکَ الْوِزْرِ وَ الْعَذَابِ_ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِیاً ظَالِما(1).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه زنی شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب ها به عبادت پردازد و بنده ها آزاد کند و مال ها در راه خدا انفاق نماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نپذیرد تا آنگاه که شوهرش را کمک و از خود راضی کند و گر نه آن زن نخستین کسی است که به دوزخ می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس فرمود : مرد نیز اگر در حق همسر خود آزار و ستم روا دارد، چنین گناه و عذابی خواهد داشت.

عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: یا عَلِیُّ ثَمَانِیَهٌ لَا یُقْبَلُ مِنْهُمُ الصَّلَاه ... وَ النَّاشِزُ وَ زَوْجُهَا عَلَیْهَا سَاخِطٌ.(2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی شود: ... زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است.

9. سبک شمردن نماز

واللّه إنّه لیأتی علی الرجل خمسون سنه و ماقبل اللّه منه صلوه واحده. فأیّ شیء أشدّ من هذا !؟ و اللّه انکم لتعرفون مِن جیرانکم و اصحابکم مَن لو کان یصلّی لِبعضکم،

1- [1] .مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج73، ص363.
2- [2] . همان؛ ج81، ص183.

ماقبلها منه لاستخفافه بها. إن اللّه عزّ و جلّ لایقبل إلا الحسن، فکیف یقبل ما یستخفّ به !؟(1)

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، [گاه] انسان پنجاه سال عمر می کند و خداوند حتی یک نماز از او نمی پذیرد و چه چیزی بدتر از این !؟ به خدا قسم، شما از همسایگان و یاران خود کسانی را می شناسید که اگر [به فرض] برای یکی از شما نماز می خواندند، چون آن را سبک به جا می آورند، از آنان نمی پذیرفت. حال خداوند عز و جل جز "خوب" نمی پذیرد، چگونه چیزی را که سبک شمرده شده است، بپذیرد !؟

10. شرب خمر

فقال ابو عبد اللّه علیه السلام : لاتقبل صلوهُ شارب المُسکِر أربعین یوماً إلا أن یَتوب(2).

امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز کسی که مُسکر می نوشد، تا چهل روز پذیرفته نمی شود، مگر اینکه توبه کند.

11. ندادن زکات.

12. و امامت نماز جماعت برای افرادی که انسان را نمی خواهند

یا عَلِیُّ ثَمَانِیَهٌ لَا یُقْبَلُ مِنْهُمُ الصَّلَاه ... وَ مَانِعُ الزَّکَاه... وَ إِمَامُ قَوْمٍ یُصَلِّی بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ کَارِهُون... .(3)

ص:91

1- [1] . کلینی؛ کافی؛ ج3، ص269.
2- [2] . مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج63، ص488.
3- [3] . همان؛ ج81، ص183.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی شود: ... و کسی که زکات نمی دهد... و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند، در حالی که از او ناراضی هستند.(1)

گفتنی است ایمان، ولایت و تقوا شرط اساسی قبولی عمل است که مفروغ عنه گرفته شد. در ادامه آیه و احادیثی در این باره خواهد آمد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: "و من یکفر بالایمان، فقط حَبَط عمله "(2): و هر کس به ایمان و اعتقاد کفر ورزد، قطعاً عملش تباه و بی اثر می شود و می فرماید: "إنما یتقبل اللّه من المتّقین"(3) : خدا فقط از پرهیزکاران می پذیرد.

و قال الباقر علیه السلام : من دان اللّه عزّوجلّ بعباده یجهد فیها نفسه و لا امام له من اللّه، فسعیه غیر مقبول و هو ضالّ متحیّر و اللهُ شانئ لأعماله.(4)

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر که خود را در عبادت خداوند عزوجل به رنج و زحمت افکند، اما [برای خود] امامی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او

1- [1] . روایت کامل: عَنِ النَّبِیِّ ص أَنَّهُ قَالَ:" یَا عَلِیُّ ثَمَانِیَهٌ لَا یُقْبَلُ مِنْهُمُ الصَّلَاهُ الْعَبْدُ الْآبِقُ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی مَوَالِیهِ وَ النَّاشِزُ وَ زَوْجُهَا عَلَیْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّکَاهِ وَ تَارِکُ الْوُضُوءِ وَ الْجَارِیَهُ الْمُدْرِکَهُ تُصَلِّی بِغَیْرِ خِمَارٍ وَ إِمَامُ قَوْمٍ یُصَلِّی بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ کَارِهُونَ وَ السَّکْرَانُ وَ الزِّبِّین": هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی شود؛ عبد فراری تا زمانی که نزد مولای خود برگردد و زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است و کسی که زکات نمی دهد، و کسی که وضو نمی گیرد، و دختر بالغی که بدون روسری نماز بخواند، و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند، در حالی که از او ناراضی هستند، و آدم مست، و کسی که بول و غائط خود را به زور نگه دارد.
2- [2] . مائده: 5.
3- [3] . مائده: 27.
4- [4] .شیخ کلینی؛ کافی؛ ج1، ص183.

پذیرفته نمی شود. چنین شخصی گمراه و سرگردان است و اعمالش مورد نفرت خداوند است.

اللّهم لا تَسلُبنا ما أنعَمتَ بِهِ عَلَینا مِن ولایتک

و ولایهِ محمّد وآل محمّد علیه و علیهم السلام

والحمد لله رب العالمین

ص:93

_ ابن بابویه، محمد بن علی _ غفاری، محمد جواد، _من لا یحضره الفقیه_/ ترجمه غفاری، علی اکبر ومحمد جواد و بلاغی، صدر، 6جلد، نشر صدوق _ تهران، چاپ: اول، 1367ش.

_ ابن بابویه، محمد بن علی، _الأمالی_ (للصدوق)، 1جلد، کتابچی _ تهران، چاپ: ششم، 1376ش.

_ ابن بابویه، محمد بن علی، _عیون أخبار الرضا_ علیه السلام ، 2جلد، نشر جهان _ تهران، چاپ: اول، 1378ق.

_ ابن بابویه، محمد بن علی _ آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، _عیون أخبار الرضا_ علیه السلام ، ترجمه آقا نجفی، 2جلد، انتشارات علمیه اسلامیه _ تهران، چاپ: اول، بی تا.

_ ابن بابویه، محمد بن علی، _التوحید_ (للصدوق)، 1جلد، جامعه مدرسین _ ایران؛ قم، چاپ: اول، 1398ق.

_ ابن بابویه، محمد بن علی _ ذهنی تهرانی، محمد جواد، _علل الشرائع_، ترجمه ذهنی تهرانی، 2جلد، انتشارات مؤمنین _ ایران؛ قم، چاپ: اول، 1380ش.

ص:95

_ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، _البرهان فی تفسیر القرآن_، 5جلد، مؤسسه بعثه قم، چاپ: اول، 1374 ش.

_ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، _غرر الحکم و درر الکلم_ (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی a)، 1جلد، دار الکتاب الإسلامی قم، چاپ: دوم، 1410ق.

_ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، _تصنیف غرر الحکم و درر الکلم_، 1جلد، دفتر تبلیغات _ ایران؛ قم، چا پ: اول، 1366ش.

_ خمینی، سید روح اللّه موسوی، _توضیح المسائل_ (محشّی _ امام خمینی)، 2 جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم _ ایران، هشتم، 1424 ه ق.

_ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، _تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه_، 30جلد، مؤسسه آل البیت علیه السلام _ قم، چاپ: اول، 1409 ق.

_ شیخ بهایی، محمد بن حسین، _مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله من الواجبات و المستحبات_ (ط _ القدیمه)، 1جلد، نشر دار الأضواء _ بیروت، چاپ: اول، 1405 ق.

_ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، _الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه_ (کلیات حدیث قدسی)، 1جلد، انتشارات دهقان _ تهران، چاپ: سوم، 1380ش.

_ طبرسی، حسن بن فضل، _مکارم الأخلاق_، 1جلد، شریف رضی _ قم، چاپ: چهارم، 1412 ق / 1370 ش.

ص:96

_ علی بن الحسین علیه السلام ، امام چهارم _ فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، _الصحیفه السجادیه_، ترجمه و شرح فیض الإسلام، 1جلد، فقیه _ تهران، چاپ: دوم، 1376ش.

_ قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، _تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب_، 14جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات _ تهران، چاپ: اول، 1368ش.

_ کلینی، محمد بن یعقوب _ مصطفوی، سید جواد، _أصول الکافی،_ ترجمه مصطفوی، 4جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامیه _ تهران، چاپ: اول، 1369ش.

_ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، _الکافی_ (ط _ الإسلامیه)، 8جلد، دار الکتب الإسلامیه _ تهران، چاپ: چهارم، 1407 ق.

_ کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، _الکافی_ (ط _ دارالحدیث)، 15جلد، دار الحدیث _ قم، چاپ: اول، ق 1429.

_ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، _بحار الأنوارالجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار_ (ط _ بیروت)، 111جلد، دار إحیاء التراث العربی _ بیروت، چاپ: دوم، 1403 ق.

_ مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، _شرح فروع الکافی_ (لمولی محمد هادی بن محمد صالح المازندرانی)، 5جلد، دارالحدیث للطباعه و النشر _ قم، چاپ: اول، 1429 ق.

ص:97

_ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، _مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول_، 26جلد، دار الکتب الإسلامیه _ تهران، چاپ: دوم، 1404 ق.

_ نوری، حسین بن محمد تقی، _مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل_، 28جلد، مؤسسه آل البیت علیه السلام _ قم، چاپ: اول، 1408ق.

_ یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، _العروه الوثقی (للسید الیزدی_)، 2 جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت _ لبنان، دوم، 1409 ه ق

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109